

نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه

پیرامون قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

شامل ۱۱۰ پرسش و پاسخ

گردآوری و تدوین: امید سلطانی

انتشار از سایت اختبار

مجموعه فوق به صورت رایگان از طریق وبسایت اختبار در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. همچنین در صورت تمایل می‌توانید نظریات مشورتی بیشتر در حوزه‌های مختلف حقوقی به همراه سایر قوانین و مقررات کاربردی را از طریق اپلیکیشن قانون در جیب شما مطالعه نمایند.

نظریه مشورتی شماره ۴۰۶/۹۹/۷ مورخ ۱۱/۴/۱۳۹۹

پرسش ۱- پرونده‌هایی که قبل از لازم الاجرا شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به دادگاه کیفری یک ارجاع شده است مانند جرم آدم‌ربایی و سپس به دلیل افزایش درجه جرم به موجب قانون یادشده، رسیدگی به این جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری دو قرار گرفته است، آیا باید همچنان در دادگاه مرجوع‌الیه رسیدگی شود یا به دادگاه کیفری دو ارسال شود؟

پاسخ ۱- هر چند طبق بند «الف» ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قوانین مربوط به صلاحیت نسبت به جرایم سابق بر وضع قانون فوراً اجرا می‌شود؛ لکن در فرض سؤال، با توجه به ماده ۴۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و ملاک تبصره ۳ ماده ۲۹۶ این قانون، دادگاه کیفری یک که رسیدگی به جرم درجه سه را شروع کرده است و با تصویب و لازم‌الاجرا شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ علی‌رغم تغییر درجه جرم از درجه سه به چهار، طبق قانون اخیرالذکر مکلف به ادامه رسیدگی است و نمی‌تواند قرار عدم صلاحیت صادر کند.

پرسش ۲- چنانچه در جرم درجه سه دادگاه کیفری یک رأی صادر کرده باشد لکن به علت لازم الاجرا شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری این جرم درجه چهار محسوب شود، مرجع رسیدگی به تجدیدنظر خواهی از رأی مذکور دیوان عالی کشور است یا دادگاه تجدیدنظر استان؟

پاسخ ۲- نظر به این‌که معیار قابلیت تجدید نظر یا فرجام‌خواهی آراء طبق مواد ۴۲۷ و ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ «مجازات قانونی جرم است»، نه مجازات تعیین‌شده در دادنامه؛ و از طرفی به موجب بند «الف» ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقررات مربوط به صلاحیت فوراً اجرا می‌شود و با اخذ ملاک از رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۷۴۳ مورخ ۱۳۹۴/۸/۵، در فرض سؤال مرجع رسیدگی به اعتراض، «دادگاه تجدید نظر استان» است.

پرسش ۳- چنانچه مجازات قانونی جرمی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ تقلیل یافته اما در دادنامه قطعی مجازاتی که تعیین شده است در محدوده مجازات قانونی تعیین‌شده به موجب قانون اخیر باشد، آیا بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قابل اعمال است؟

پاسخ ۳- با عنایت به منطوق و اطلاق بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق تخفیف یابد، مقررات بند «ب» ماده مذکور در هر صورت قابل اعمال است، اعم از این‌که مجازات مقرر در دادنامه در محدوده مجازات قانونی تعیین‌شده به موجب قانون اخیر باشد یا نباشد؛ یعنی معیار اعمال این بند، کاهش مجازات قانونی جرم به موجب قانون لاحق است؛ نه مجازات قضایی. از طرفی دادگاه با در نظر گرفتن حداکثر مجازات در قانون سابق و بر اساس معیارهای مقرر در بندهای ذیل ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعیین کیفر کرده است؛ لذا در صورت کاهش مجازات قانونی جرم طبق قانون لاحق، رعایت احتیاط و اصل تفسیر به نفع متهم ایجاب می‌کند که فرض سؤال نیز مشمول مقررات بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ باشد.

پرسش ۴- چنانچه قبل از لازم الاجرا شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، دادسرا تعقیب و تحقیقات مقدماتی جرمی را شروع کرده باشد و به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ مجازات آن جرم از درجه شش به درجه هفت تغییر یافته باشد، آیا ادامه رسیدگی به عهده دادسرا است یا دادگاه کیفری صالح؟

پاسخ ۴- با توجه به این که طبق بندهای «الف» و «پ» ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قوانین مربوط به صلاحیت و شیوه دادرسی نسبت به جرایم سابق بر وضع قانون فوراً اجرا می شود و از طرفی به موجب ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، انجام تحقیقات مقدماتی جرایم تعزیری درجه هفت و هشت که به طور مستقیم در دادگاه مطرح می شود، به عهده دادگاه مربوطه است؛ لذا در فرض سؤال ادامه انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به عهده دادگاه کیفری ذی صلاح است.

پرسش ۵- نظر به این که به موجب قسمت دوم ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی تعزیرات علاوه بر علف، تهدید حيله یا به هر نحو دیگر که در ماده یک قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ مورد تصریح قرار گرفته است، ممکن است سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود. در این موارد نحوه تعیین مجازات چگونه خواهد بود؟

پاسخ ۵- با توجه به بند «ب» ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، چنانچه ارتکاب رکن مادی بزه آدم ربایی موضوع ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ با علف یا تهدید باشد، مجازات حبس درجه چهار و در غیر این صورت (با حيله یا به هر نحو دیگر) مجازات مرتکب حبس درجه پنج خواهد بود و در مواردی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد و یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مجازات آن مطابق قسمت دوم ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ حداکثر مجازات مقرر در قانون خواهد بود که با توجه به نحوه تعیین مجازات طبق قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، مجازات مرتکب مشمول قسمت دوم ماده ۶۲۱ اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳ حسب مورد، حداکثر حبس درجه چهار یا درجه پنج خواهد بود.

پرسش ۶- در مورد جرایمی که به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری میزان مال موضوع جرم معیار تعیین مجازات است و حسب مورد با توجه به میزان مال موضوع جرم مجازات جرم درجه هفت یا شش محسوب می شود، آیا انجام تحقیقات مقدماتی باید توسط دادسرا صورت گیرد یا به طور مستقیم در دادگاه مطرح شود؟

پاسخ ۶- با عنایت به ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصل بر انجام تحقیقات مقدماتی توسط بازپرس است. در فرض سؤال باید پرونده در دادسرا مطرح شود (مانند بزه موضوع ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ که با توجه به میزان خسارت وارد شده، میزان مجازات تعیین می شود و جرم حسب مورد درجه هفت یا شش محسوب می شود). چنانچه دادسرا تشخیص دهد که جرم درجه هفت است، در اجرای ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پرونده جهت ادامه تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به دادگاه ارسال می شود و در غیر این صورت بازپرس به انجام تحقیقات مقدماتی خود ادامه داده و در صورت صدور قرار جلب دادرسی و کیفرخواست، پرونده به دادگاه ارسال می شود.

نظریه مشورتی شماره ۴۰۷/۹۹/۷ مورخ ۱۵/۴/۱۳۹۹

سؤال ۵: نظر به این که به موجب بند «ت» ماده یک قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، مجازات موضوع ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ بر اساس میزان خسارت تعیین شده است (این جرم قابل گذشت نیز اعلام شده است) لذا با توجه به ارجاع جرم موضوع ماده ۶۷۸ قانون مزبور به ماده ۶۷۷، آیا احکام مقرر در قانون جدید در مورد ماده ۶۷۷ قانون یاد شده نیز جاری است؟

پاسخ: تغییر مجازات موضوع ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ به اعتبار میزان خسارت وارده در بند «ت» ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ و تبصره ذیل ماده ۱۱ این قانون تأثیری در تعیین میزان مجازات موضوع ماده ۶۷۷ همان قانون که به وسیله مواد منفجره واقع می‌شود ندارد.

سؤال ۶: با توجه به تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری که در خصوص اعمال تخفیف در مجازات بین جرم واحد و متعدد تفاوتی پیش‌بینی نکرده است، در مواردی که به طور کلی مقررات خاصی برای تخفیف پیش‌بینی شده است؛ مانند جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، نحوه اعمال تخفیف چگونه است؟

پاسخ: در مورد جرایمی که در قوانین خاص در خصوص نحوه اعمال کیفیات مخففه مقرر خاص پیش‌بینی شده است، با توجه به این که در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ در نحوه اعمال تخفیف بین جرم واحد و متعدد تفاوتی پیش‌بینی نشده است، نحوه اعمال تخفیف در آن جرایم به نحو مقرر در قوانین خاص خواهد بود.

سؤال ۷: با توجه به مقررات ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ آیا مجازات انفسال موقت موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر به شرح مقرر در مواد ۷ و ۸ این قانون، قابل تبدیل به جزای نقدی است؟

پاسخ: به موجب ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و بند «ج» ماده ۲۶ این قانون، انفسال موقت به عنوان یکی از مصادیق محرومیت از حقوق اجتماعی و از جمله مجازات‌های تعزیری است و چون به موجب ماده ۳۸ قانون مبارزه با مواد مخدر در مورد نحوه تخفیف مجازات‌های تعزیری در قانون مزبور مقررات خاصی پیش‌بینی شده است؛ لذا ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ در جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر قابل اعمال نیست.

سؤال ۱۶: اگر در مقام تعدد جرم، دادگاه به تبصره ۳ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی استناد و حکم قطعی صادر کرده و در حال اجرا باشد یا هنوز حکم صادره قطعی نشده باشد؛ هم‌اکنون قانون مقرر کرده است که در مقام تخفیف باید به مواد ۳۷ و ۳۸ استناد شود یعنی این که طبق قانون جدید دادگاه می‌تواند در حبس و جزای نقدی تا سه درجه مجازات را تخفیف دهد ... با این وصف، آیا موضوع از مصادیق بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی محسوب می‌شود؟

پاسخ: در فرض سؤال، در صورت صدور حکم و عدم قطعیت آن، پس از اعتراض، مرجع تجدیدنظر نسبت به اعمال قانون لاحق که نسبت به قانون سابق اخف است اقدام می‌کند و در صورت قطعیت حکم نیز با عنایت به تخفیف میزان مجازات در حالت تعدد جرم به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹، قاضی اجرای احکام مکلف است از دادگاه صادر کننده حکم، تقاضای تخفیف مجازات کند.

سؤال ۱۷: منظور قانونگذار از تقلیل حداقل و حداکثر مجازات حبس تعزیری در جرایم درجه ۴ تا ۸ به نصف موضوع تبصره ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی الحاقی ۱۳۹۹ چیست؟

پاسخ: در مواردی که مجازات قانونی جرمی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ کاهش یافته است در واقع این مجازات که جایگزین مجازات سابق شده است مجازات قانونی جرم بوده و معیار تعیین درجه مجازات و به تبع آن صلاحیت دادگاه (با توجه به مجازات قانونی اخیر الذکر و انطباق آن با شاخص های ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) می باشد.

سؤال ۱۸: با توجه به اینکه مطابق قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ امکان تعلیق مجازات کلاهبرداری وجود دارد در حالی که ممنوعیت تعلیق کلاهبرداری موضوع قانون تشدید مجازات ... مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است و قانون تقلیل مجازات حبس تعزیری مصوب مجلس شورای اسلامی، حال آیا با توجه به نظریه تفسیری شورای نگهبان که در صورت تعارض مصوبات مجمع تشخیص با مصوبات مجلس، قانون مصوب مجمع حاکم است و از طرفی همانند ماده ۴۶ قانون مبارزه با مواد مخدر که مصوب مجمع می باشد اختیار اصلاح به مجلس در قانون تشدید ... داده نشده است آیا می تواند نتیجه گرفت که ممنوعیت تعلیق بزه کلاهبرداری همچنان باقی است؟

پاسخ: نظر به این که به موجب تبصره ذیل ماده ۷ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ به صراحت تعلیق مجازات کلاهبرداری بلامانع اعلام گردیده است و این قانون به تأیید شورای محترم نگهبان نیز رسیده است لذا تردیدی در نسخ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشا و کلاهبرداری در این خصوص (تعلیق مجازات کلاهبرداری) وجود ندارد.

سؤال ۲۰: آیا طبق تبصره ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ حبس کلاهبرداری یک میلیارد ریال و کمتر و سرقت های مذکور در ماده ۱۱ این قانون به مبلغ دویست میلیون ریال و کمتر در صورتی که سارق فاقد سابقه موثر کیفری باشد، به نصف تبدیل می شود؟

پاسخ: با عنایت به اطلاق تبصره ماده ۱۰۴ اصلاحی (۱۳۹۹/۲/۲۳) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ حداقل و حداکثر مجازات حبس جرایم تعزیری از درجه ۴ تا ۸ در جرایم قابل گذشت به نصف تقلیل یافته است و از طرفی جرم کلاهبرداری با مبلغ یک میلیارد ریال یا کمتر از آن و سرقت های مقرر در فرض سؤال به شرطی که ارزش مال مورد سرقت دویست میلیون ریال یا کمتر از آن بوده و سارق فاقد سابقه موثر کیفری باشد نیز در زمره جرایم درجه ۴ و پایین تر می باشد و به موجب قانون فوق قابل گذشت محسوب شده اند، لذا مجازات آن ها به نصف تقلیل یافته است.

سؤال ۲۲: در بحث تعدد جرم در مورد بند «الف» ماده ۱۳۴ اصلاحی ۱۳۹۹ وقتی جرایم مختلف نباشد فقط یک مجازات معین می شود و در قسمت اخیر بند «الف» مقرر شده است: «... دادگاه می تواند مطابق ضوابط مقرر در این ماده ... مجازات را تشدید کند» منظور از این عبارت چیست؟

پاسخ: مطابق بند «الف» ماده ۱۳۴ (اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ هرگاه جرایم ارتكابی مختلف نباشد فقط یک مجازات تعیین می شود و دادگاه الزامی به تشدید مجازات ندارد دادگاه مخیر است حسب مورد مطابق ضوابط مقرر در بندهای «ب» و «پ» ماده مذکور مجازات را تشدید کند.

سؤال ۲۳: در تبصره ماده ۷ قانون جدید در انتهای ماده ذکر شده: «... تعلیق ... شروع به جرایم مقرر در این تبصره بلامانع است...» حال سوال این است آیا تعلیق مجازات معاونت در جرایم مذکور مانعی دارد؟

پاسخ: تعلیق مجازات جرایم مذکور در تبصره الحاقی به ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۹، شامل مباشر، شریک و به طریق اولی شامل معاون جرم نیز می‌گردد.

سؤال ۲۴: با توجه به ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ که تبصره ۶ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری را نسخ نموده و از طرفی طبق بند «ت» ماده ۳۷ اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجازات «انفصال دائم» به انفسال موقت به میزان پنج تا پانزده سال قابل تخفیف است. آیا قانون جدید برای محکومینی که شرایط تخفیف را دارند قابل اعمال است؟

پاسخ: نظر به این که مقررات مورد نظر در فرض سؤال، تخفیف مجازات قانونی محسوب نمی‌شود لذا در مورد احکام قطعی که قبل از لازم الاجرا شدن قانون جدید صادر شده است، قابل اعمال نیست.

سؤال ۲۵: قانونگذار در قانون جدید تعلیق جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی را با شرایطی مجاز دانسته ولی طبق تبصره ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر، مجازات جرایم بالای پنج سال حبس را ممنوع دانسته است هر چند متهم فاقد سابقه کیفری بوده و به جرم خویش اقرار نیز کرده باشد. حال با فرض این که جرایم مواد مخدر در اوزان پایین را جزو جرایم علیه امنیت بدانیم آیا می‌توان از شمول این ماده استفاده کرد؟

پاسخ: جرایم مربوط به مواد مخدر جرایم امنیتی محسوب نمی‌شوند، لذا از شمول مقررات ناظر به نحوه تعلیق جرایم علیه امنیت کشور خروج موضوعی دارد.

سؤال ۱۲ و ۲۷: منظور از جرایم غیرمختلف در ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ (ماده ۱۳۴ اصلاحی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) چیست؟

پاسخ: در موارد زیر جرایم غیرمختلف محسوب می‌شوند:

- ۱- ارتکاب یک جرم خاص به صورت متعدد؛ مانند ارتکاب متعدد سرقت‌های منطبق با یک ماده مشخص.
- ۲- جرایمی که به‌رغم تعدد عنصر قانونی و متفاوت بودن مجازات‌ها، تحت عنوان جرم واحد شناخته می‌شوند؛ مانند سرقت‌های متعدد، جعل اسناد مختلف، صدور چک بلامحل به هر شیوه که در قانون مقرر شده است.
- ۳- رفتارهای متعدد مجرمانه که موضوع آن‌ها واحد است؛ مانند حمل، نگهداری، فروش، صادرات، واردات و ساخت مواد مخدر از نوع واحد، مشروبات الکلی، تجهیزات دریافت از ماهواره و اسلحه و مهمات از نوع واحد.
- ۴- دو یا چند رفتار مجرمانه که در یک ماده قانونی ذکر و برای آن‌ها مجازات پیش‌بینی شده است.
- ۵- ارتکاب جرایمی که مجازات جرم دیگر درباره آن‌ها مقرر شده است یا طبق قانون جرم دیگری محسوب می‌شود؛ مانند کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری درباره آن‌ها مقرر شده است و یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود.

۶- شروع، معاونت و مباشرت در یک جرم.

ضمناً در مواردی که به موجب نص خاص یا رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور از قبیل رأی شماره ۶۲۴ مورخ ۱۳۷۷/۱/۱۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور (جعل و استفاده از سند مجعول) بر خلاف ضوابط و معیارهای فوق احکام خاصی مقرر شده باشد به همان ترتیب عمل می‌شود.

سؤال ۳۰: منظور از قید «تحت همین عناوین مجازات تعیین شده است» مندرج در ماده ۱۵ قانون جدید در بحث معاونت و شروع به جرم چیست؟

پاسخ: منظور از عبارت «تحت همین عناوین» در ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ این است که قانون‌گذار برای شروع به جرم یا معاونت تحت عنوان شروع به جرم یا معاونت در جرم، تعیین مجازات کرده باشد، مانند شروع به جعل و تزویر به شرح مقرر در ماده ۵۴۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و شروع به ارتشاء موضوع ماده ۵۹۴ و شروع به سرقت به شرح ماده ۶۵۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و معاونت در قتل عمد به شرح تبصره ماده ۶۱۲ همین قانون.

نظریه مشورتی شماره ۴۲۸/۹۹/۷ مورخ ۱۴/۴/۱۳۹۹

پرسش ۱- آیا دادگاه کیفری یک با عنایت به مصوبه اخیر صلاحیت ورود به رسیدگی به پرونده‌های تخفیف محکومیت در راستای ماده ۱۰ را در خصوص بزه آدم‌ربایی دارد؟

پاسخ: نظر به صراحت بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که اشعار داشته "دادگاه صادرکننده حکم قطعی" لذا در فرض سؤال با توجه به اینکه حکم قطعی از سوی دادگاه کیفری یک صادر شده و دادگاه مذکور در زمان رسیدگی صلاحیت رسیدگی را داشته است لذا اقدام بعدی مبنی بر تخفیف مجازات با لحاظ قانون جدید لاحق با همان دادگاه خواهد بود.

پرسش ۲- تکلیف پرونده‌های مطروحه در شعب کیفری یک در حال رسیدگی چه می‌باشد آیا رسیدگی ادامه یابد یا قرار عدم صلاحیت به اعتبار و شایستگی کیفری دو صادر شود؟

پاسخ: هر چند طبق بند «الف» ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قوانین مربوط به صلاحیت نسبت به جرایم سابق بر وضع قانون فوراً اجرا می‌شود؛ لکن در فرض سؤال، با توجه به ماده ۴۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و ملاک تبصره ۳ ماده ۲۹۶ این قانون، دادگاه کیفری یک که رسیدگی به جرم درجه سه را شروع کرده است و با تصویب و لازم‌الاجرا شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۱۱ علی‌رغم تغییر درجه جرم از درجه سه به چهار، طبق قانون اخیرالذکر دادگاه کیفری یک مکلف به ادامه رسیدگی است و نمی‌تواند قرار عدم صلاحیت صادر کند.

پرسش ۳- در صورتی که عقیده به استمرار رسیدگی به این پرونده‌ها در کیفری یک باشد مرجع صالح جهت رسیدگی به تجدید نظرخواهی چه مرجعی می‌باشد آیا رای قابل اعتراض در دیوان عالی کشور خواهد بود یا در دادگاه تجدیدنظر استان؟

پاسخ: نظر به این‌که معیار قابلیت تجدید نظر یا فرجام‌خواهی آراء طبق مواد ۴۲۷ و ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ «مجازات قانونی جرم است»، نه مجازات تعیین‌شده در دادنامه؛ و از طرفی به موجب بند «الف» ماده ۱۱ قانون مجازات

اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقررات مربوط به صلاحیت فوراً اجرا می‌شود و با اخذ ملاک از رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۷۴۳ مورخ ۱۳۹۴/۸/۵، در فرض سؤال مرجع رسیدگی به اعتراض، «دادگاه تجدید نظر استان» است.

نظریه مشورتی شماره ۴۲۱/۹۹/۷ مورخ ۱۱/۴/۱۳۹۹

سوال ۱- هرگاه جرایم ارتكابی سه فقره از یک نوع و سه فقره از نوع دیگر باشد، برای مثال سه فقره کلاهبرداری و سه فقره سرقت، مجازات مرتکب چگونه تعیین میشود؟

پاسخ ۱- در مورد جمع جرایم متعدد مشابه با جرایم متعدد مشابه از نوع دیگر، ابتدا برای هر یک از جرایم مشابه مطابق بند «الف» ماده ۱۳۴ اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به عنوان جرایم مشابه تعیین کیفر می‌شود و برای جرایم متعدد مشابه دیگر نیز مطابق همان بند تعیین کیفر می‌شود و چون در نهایت این جرایم غیر هم‌نوع نیز محسوب می‌شوند، حسب مورد با توجه به تعداد آنها مطابق بندهای «ب» یا «پ» ماده ۱۳۴ اصلاحی مذکور تشدید می‌شود. بنابراین در فرض سؤال که جرایم مختلف دو نوع بیشتر نیست، مطابق بند «ب» ماده ۱۳۴ اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعیین کیفر می‌شود.

سوال ۲- در بند «ب» ماده ۱ قانون اخیر، مجازات بزه آدم‌ربایی از صلاحیت دادگاه کیفری یک خارج و در صلاحیت دادگاه به کیفری دو قرار گرفته است و این ابهام وجود دارد که اگر جرم آدم‌ربایی با رفتار در حکم حيله و تقلب صورت گیرد، مشمول قسمت نخست این بند است یا قسمت دوم؟

پاسخ ۲- صرف نظر از این‌که منظور از عبارت در «حکم حيله و تقلب» در فرض سؤال دارای ابهام است، عنصر مادی بزه آدم‌ربایی در صورتی که «به عنف یا تهدید» نباشد، مشمول عبارت

سوال ۳- در بند «ت» ماده ۱ قانون اخیر التصویب، تعیین ارزش مال موضوع جرم تخریب و نحوه ارزیابی آن چگونه است و قیمت زمان وقوع جرم ملاک است یا زمان پرداخت؟

پاسخ ۳- ارزش مال مورد تخریب حسب مورد ممکن است در اجرای صدر ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و بند «پ» ماده ۶۸ همین قانون توسط شاکی (مستندات شکوائیه) یا با توافق طرفین یا جلب نظر کارشناس یا به نحو دیگری به تشخیص مقام قضایی تعیین شود. در اعمال قانون مورد بحث، معیار، ارزش مال موضوع تخریب در زمان وقوع جرم است.

سوال ۴- در تبصره الحاقی به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ طبق قانون اخیر، در فرضی که علت صدور حکم به بیش از حداقل نوشته نشود، غیر از ضمانت اجرای انتظامی آیا موجب نقض یا اصلاح حکم در مرجع بالاتر است؟ و آیا این مقررات در خصوص مجازات شلاق یا جزای نقدی که دارای حداقل و حداکثر باشد هم لازم الاجرا است؟

پاسخ ۴- اگر دادگاه بدوی بدون ذکر علت، مجازات را حبس بیش از حداقل قانونی تعیین کند، صرف نظر از مجازات انتظامی مقرر برای این تخلف در تبصره الحاقی (۱۳۹۹/۲/۲۳) و ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، چنانچه پرونده در دادگاه

تجدید نظر مطرح شود، این دادگاه باید حکم بدوی را از این حیث با لحاظ ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاح کند. در هر حال تخلف مذکور موجب نقض اساس دادنامه بدوی نیست و مقررات این تبصره به مجازات شلاق و جزای نقدی تسری ندارد و طبق تصریح قانون صرفاً مربوط به مجازات حبس است.

سوال ۷- در تبصره الحاقی ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی (تمام حبس‌های غیر حدی مقرر در قانون) آیا واژه «قانون» اطلاق دارد و شامل قانون مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان هم می‌شود.

پاسخ ۷- اطلاق تمام حبس‌های ابد غیر حدی در تبصره ۶ ماده ۳ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ شامل کلیه حبس‌های ابد مقرر در تمام قوانین (مانند حبس ابد مقرر در ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری است)؛ اعم از قانون عام و خاص است. همچنین

مطابق ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر الحاقی ۱۳۹۶ در جرایم موضوع این قانون، مجازات حبس ابد حسب مورد به اعدام یا حبس و جزای نقدی درجه دو تبدیل شده است؛ بنابراین مجازات حبس ابد در قانون اخیرالذکر منتفی است.

سوال ۹-آیا ماده ۲۸ اصلاحی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹ و عبارت «تمام جرایم و تخلفات از جمله جزای نقدی»، به مجازات تخلفات صنفی اداره تعزیرات حکومتی و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز هم تسری دارد؟

پاسخ ۹- ماده ۲۸ اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بدون استثناء شامل تمام قوانین از جمله مجازات تخلفات صنفی موضوع صلاحیت تعزیرات حکومتی و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌شود.

سوال ۱۰- در بند «الف» ماده ۳۷ در خصوص تقلیل مجازات حبس با درجات مختلف تعیین تکلیف شده است ولی به حبس درجه هشت اشاره‌ای نشده است تکلیف چیست؟

پاسخ ۱۰- حبس تعزیری درجه هشت (تا سه ماه) طبق ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور به مجازات جایگزین حبس تبدیل می‌شود.

سوال ۱۱- در ماده ۶ قانون موضوع تبدیل و تقلیل حبس درجه هفت به جزای نقدی، با بند ۲ ماده ۲ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، معارض است؟

پاسخ ۱۱- حبس درجه هفت با توجه به میزان آن (نود و یک روز تا شش ماه) مشمول ماده ۲ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ (ناظر به جرایمی که حداکثر مجازات بیش از نود و یک روز حبس و حداقل آن کمتر از این است) نمی‌شود؛ بنابراین تعارضی بین مقررات مذکور وجود ندارد.

سوال ۱۴- با توجه به بند «ب» ماده ۳۷ اصلاحی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و در نظر گرفتن ماده ۶۶ همان قانون، نحوه تعیین مجازات در حبس‌های درجه هفت چگونه است؟

پاسخ ۱۴- در مورد نحوه تعیین مجازات در حبس‌های قانونی درجه هفت حسب مورد و اقتضای هر پرونده، ممکن است دادگاه بخواهد در احراز جهات تخفیف ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ طبق ماده ۳۷ این قانون مجازات را تخفیف دهد که باید مطابق بند «ب» این ماده اقدام کند یا در صورت عدم اقتضای، تخفیف و تشخیص دادگاه به تعیین مجازات حبس مطابق ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اقدام می‌شود؛ بنابراین در اعمال این دو نهاد ارفاقی تعارضی وجود ندارد و هر کدام حسب اقتضاء به انتخاب دادگاه صادرکننده رأی مورد استناد و عمل قرار می‌گیرد.

سوال ۱۵- منظور از تعلیق بخشی از مجازات در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی در تبصره ماده ۷ قانون اخیرالذکر چیست؟

پاسخ ۱۵- منظور از «تعلیق بخشی از مجازات» در تبصره ماده ۷ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، تعلیق قسمتی از مجازات مندرج در حکم و به هر میزان که دادگاه تشخیص دهد است و نه تمام مجازات.

سوال ۱۶- چنانچه در اعمال ماده ۶۲ آیین‌نامه موجود حکم بر مجازات حبس تحت نظارت صادر شود، با توجه به این‌که در تبصره الحاقی ماده ۹ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به وضع آیین‌نامه اشاره شده است، آیا تا زمان وضع آیین‌نامه، مقررات آیین‌نامه موجود قابل اعمال است؟

پاسخ ۱۶- آیین‌نامه موضوع تبصره ۳ ماده ۹ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ ناظر به استفاده از ظرفیت بخش خصوصی است که با موضوع آیین‌نامه اجرایی مراقبت‌های الکترونیکی مصوب ۱۳۹۷ رییس قوه قضاییه متفاوت است؛ لذا مقررات آیین‌نامه اخیرالذکر کماکان قابل اعمال است.

سوال ۱۷- در خصوص قابل گذشت بودن بزه توهین به مأمور دولت، آیا مأمور باید گذشت کند یا مافوق اداری وی؟

پاسخ ۱۷- توهین به مأمور دولت، توهین به اداره محسوب نمی‌شود و با توجه به قابل گذشت بودن جرم موضوع ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ طبق قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و لحاظ ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مأمور باید شخصاً اقامه شکایت و یا اعلام گذشت کند.

سوال ۱۸- آیا قید تعلق املاک و اراضی به اشخاص خصوصی موضوع ماده ۶۹۰ اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ به جرایم موضوع مواد ۶۹۲ و ۶۹۳ قانون مذکور نیز تسری دارد؟

پاسخ ۱۸- بزه تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق طبق ماده ۱۰۴ اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ فقط نسبت به املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی قابل گذشت اعلام شده است و این جرایم نسبت به املاک و اراضی اشخاص دولتی و عمومی غیر قابل گذشت است؛ بنابراین ارتکاب مجدد این جرایم پس از اجرای حکم نسبت به

املاک و اراضی اشخاص دولتی و عمومی، غیر قابل گذشت است؛ چون جرم مجدد این جرایم نیز همان تصرف عدوانی و مزاحمت ... است. در نتیجه

اطلاق قابل گذشت بودن جرم موضوع ماده ۶۹۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ شامل اراضی و املاک دولتی نمی‌شود.

سوال ۱۹- با توجه به عبارت « و جرایم انتقال مال غیر و کلاهبرداری موضوع ماده ۱ به شرطی که مبلغ آن از نصاب مقرر در ماده ۳۶ این قانون بیشتر نباشد»، آیا رعایت نصاب فقط در بزه کلاهبرداری است یا بزه انتقال مال غیر را نیز در بر می‌گیرد؟

پاسخ ۱۹- نصاب مقرر در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با توجه به نحوه نگارش ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی (اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳) شامل مجازات انتقال مال غیر هم می‌شود.

سوال ۲۰- در خصوص کلاهبرداری و جرایم در حکم آن با توجه به عبارت «داشتن بزه‌دیده» در متن ماده ۱۰۴ اصلاحی: الف- با توجه به تعریف جرم قابل گذشت که با شکایت شاکی آغاز می‌شود و هر زمان گذشت کند تعقیب موقوف می‌شود، فرض مخالف نداشتن بزه‌دیده در جرم کلاهبرداری چیست؟

ب- اگر قبلاً به لحاظ جنبه عمومی جرم «کلاهبرداری» تعقیب و محاکمه صورت گرفته و حکم در حال اجرا باشد، در مواردی که جرم مذکور قابل گذشت است تکلیف چیست؟

پاسخ ۲۰ الف- در بزه کلاهبرداری موضوع ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و ... که بردن مال غیر به نحو متقلبانه است، فرض نداشتن بزه‌دیده قابل تصور نیست و در ماده ۱۰۴ اصلاحی (۱۳۹۹/۲/۲۳) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، بزه کلاهبرداری فقط به شرطی که مبلغ آن از نصاب مقرر در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیشتر نباشد، قابل گذشت اعلام شده است و عبارت «در صورت داشتن بزه‌دیده» ناظر به جرایم «در حکم کلاهبرداری» و جرایمی است که «مجازات کلاهبرداری درباره آن‌ها مقرر شده است» و یا «طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود».

پاسخ ۲۰ ب- با لازم‌الاجرا شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ و اخف بودن این قانون به استناد ماده ۵۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قرار موقوفی اجرای حکم صادر می‌شود.

سوال ۲۳- در ماده ۱۱ قانون جدید در بزه سرقت موضوع مواد ۶۵۶ و ۶۵۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، با توجه به قابل گذشت بودن آن با فرض وجود شرایط مقرر، در عمل با این اشکال مواجه هستیم که در صورت دستگیری متهم در محل سرقت، در صورت نبود شاکی خصوصی موضوع قابلیت تعقیب ندارد. ضابط در بزه سرقت مشهود چگونه ارزش مال مسروقه را محاسبه کند تا با احراز این‌که موضوع جرم (تعزیرات) بیش از بیست میلیون تومان است، به عنوان جرم غیر قابل گذشت به وظیفه خویش عمل نماید؟

پاسخ ۲۳- با توجه به این‌که اصل بر غیر قابل گذشت بودن جرایم است و سرقت‌های موضوع ماده ۱۰۴ اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به شرط احراز شرایط مقرر در این ماده قابل گذشت است، لذا ضابط دادگستری در جرایم مشهود باید به وظایف قانونی خود مطابق ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ عمل کند.

سوال ۲۴- در ماده ۱۱ قانون در باب بزه‌های موضوع مواد ۶۵۶ و ۶۵۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، با عنایت به لحاظ ارزش ریالی مال در شروع به جرم و نیز معاونت در آن، عملاً قابلیت تعقیب با اشکال همراه است؛ چه آن که میزان مال مسروقه در حالی که سرقت هنوز تمام نشده است و همین گونه در معاونت قابلیت تقویم ندارد.

پاسخ ۲۴- مجازات شروع به جرم با توجه به مجازات قانونی مقرر برای همان جرم که به نحو تام ارتکاب می‌یابد تعیین می‌شود. در صورتی که رفتار ارتكابی شروع به جرم محسوب شود ولی برای تطبیق آن با

گونه‌های مختلف یک جرم مانند سرقت‌های مختلف، دلایل و قرائن لازم موجود نباشد، باید به قدر متیقن اکتفاء و مبتنی بر سبک‌ترین عنوان مجرمانه اتخاذ تصمیم کرد.

سوال ۲۷- چنانچه که قبلاً مطابق مقررات ماده ۱۳۴ یا در اجرای ماده ۵۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری با نقض همه احکام با رعایت قواعد تعدد برای هر جرم مشابه و غیر مشابه تعیین مجازات شده است و توجه به با لحاظ مساعد بودن مقررات اصلاحی ماده ۱۳۴ فعلی، آیا باید بار دیگر آخرین دادگاه صادر کننده حکم در مجازات تعیین شده بازنگری کند؟

پاسخ ۲۷- ملاک اعمال مقررات بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اخف بودن قانون لاحق نسبت به قانون سابق است؛ بنابراین در فرض سؤال که طبق ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی پیش از اصلاح و یا در اجرای ماده ۵۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری با نقض همه احکام تعیین مجازات شده است، در صورت اخف بودن قانون لاحق باید طبق مقررات بند «ب» ماده ۱۰ عمل کرد.

سوال ۲۸- آیا اطلاق واژه عفو در بند «ت» ماده ۱۳۴ اصلاحی شامل عفو خاص موضوع ماده ۹۶ قانون مجازات اسلامی هم می‌شود؟

پاسخ ۲۸- واژه عفو در بند «ت» ماده ۱۳۴ اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳ عفو خصوصی موضوع ماده ۹۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است.

سوال ۲۹- آیا مجازات تا هفتاد و چهار ضربه شلاق دارای حداقل نیست یا حداقل آن یک ضربه شلاق است؟

پاسخ ۲۹- با عنایت به بند «ج» ماده ۱۳۴ اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مجازات تا هفتاد و چهار ضربه شلاق فاقد حداقل است.

نظریه مشورتی شماره ۴۱۷/۹۹/۷ مورخ ۱۱/۴/۱۳۹۹

سوال: ۵- با توجه به ماده ۳ قانون و ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر در حبس‌های ابد غیر حدی آیا ماده ۳ یاد شده ناسخ ماده ۴۵ الحاقی است یا اینکه ماده ۴۵ الحاقی مخصص ماده ۳ قانون مذکور می‌باشد؟

پاسخ: ۵- مطابق ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶/۷/۱ مجازات مرتکبان جرایمی که در این قانون دارای مجازات «حبس ابد» هستند بر حسب احراز یا عدم احراز یکی از شرایط مقرر در این ماده، به مجازات «اعدام» یا «حبس و جزای نقدی درجه ۲» حسب مورد «تبدیل» گردیده است لذا در فرض سؤال بحث نسخ یا تخصیص بین ماده مذکور و تبصره ۶ الحاقی به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹ (مبنی بر تبدیل تمام حبس‌های ابد غیر حدی مقرر در قانون به حبس درجه یک) اساساً سالبه به انتفاء موضوع است.

نظریه مشورتی شماره ۴۶۵/۹۹/۷ مورخ ۱۸/۰۴/۱۳۹۹

سؤال: دادسرا در مورد بزه تخریب به لحاظ این که میزان خسارت وارده یکصد میلیون ریال یا کمتر است و جرم درجه هفت است، پرونده را به دادگاه ارسال می‌کند. چنانچه دادگاه میزان خسارت وارده را بیشتر از نصاب مقرر در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ تشخیص دهد، آیا باید به رسیدگی خود ادامه دهد یا پرونده را جهت رسیدگی و صدور کیفرخواست به دادسرا ارسال کند؟

پاسخ: نظر به این که رسیدگی در دادگاه در فرض سؤال مستلزم صدور کیفرخواست است، لذا دادگاه پرونده را جهت رسیدگی و صدور کیفرخواست به دادسرا ارسال می‌کند و دادسرا مکلف به انجام تحقیقات مقدماتی و در صورت لزوم صدور قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست است.

نظریه مشورتی شماره ۳۹۴/۹۹/۷ مورخ ۱۶/۰۴/۹۹

سوال- با توجه به ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ و تبصره الحاقی به ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مجازات حبس جرایم تصرف عدوانی و ایجاد مزاحمت ملکی به ۶ ماه تبدیل شده است از طرفی حسب بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و قانون بودجه سال ۱۳۹۹ دادگاه مخیر به تعیین مجازات حبس درجه ۷ و جزای نقدی درجه ۵ می‌باشد با عنایت به اینکه در دلالت رای وحدت رویه شماره ۷۴۴ مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۹ اختلاف نظر وجود دارد و برخی با توجه به تعارض این رای وحدت رویه با تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون فوق‌الذکر در مواردی که تشخیص مجازات اشد ممکن است دلالت رای وحدت رویه را مختص مواردی می‌دانند که مجازات حبس و جزای نقدی باید توأمان صادر شود مانند جرم کلاهبرداری و ... نه جرایمی که قاضی مخیر به انتخاب حبس یا جزای نقدی است لذا با توجه به مراتب فوق آیا دلالت رای وحدت رویه صرفاً ناظر به مواردی است که مجازات حبس توأم با جزای نقدی است یا مطلق بوده و موارد تخییری را هم شامل می‌شود و نتیجتاً جرایمی مثل تصرف عدوانی و ایجاد مزاحمت ملکی با اجرایی شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در صلاحیت مستقیم دادگاه است یا باید با کیفرخواست به دادگاه ارسال گردد؟

پاسخ- بزه تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق موضوع ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ در مواردی که املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی باشد، طبق ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ قابل گذشت است و مشمول تقلیل مجازات حبس موضوع تبصره ماده اخیرالذکر است و همین مجازات تقلیل یافته، مجازات قانونی جرم است که در انطباق آن با شاخص‌های ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم درجه هفت محسوب و طبق ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود و اختیار دادگاه به تعیین مجازات بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی در اجرای بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مورد تأیید است.

نظریه مشورتی شماره ۴۳۲/۹۹/۷ مورخ ۱۶/۰۴/۹۹

سؤال- با استناد به ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ آیا شروع به جرم ارتشاء که تحت عنوان قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص نظام می‌باشد نسخ شده و می‌بایستی بر اساس بند «الف» ماده ۱۰ ق.م.ا.م.صوب ۱۳۹۲ عمل شود یا خیر؟

البته به عقیده این دادگاه اصل شروع به جرم ارتشاء و سایر شروع به جرم‌هایی که تحت عنوانی خاص قانونی می‌باشد نسخ شده‌اند.

پاسخ- بنا به نص ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ تمامی مصادیق خاص قانونی که در آن‌ها برای شروع به جرم و معاونت در جرم مشخص تحت همین عناوین مجازات تعیین شده، نسخ شده است. بنابراین در خصوص مجازات بزه شروع به ارتشاء با نسخ تبصره ۳ ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مطابق ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ رفتار می‌شود و چنانچه با لحاظ بند «ب» ماده ۱۰ قانون اخیرالذکر، مجازات آن به موجب ماده ۱۲۲ مرقوم تخفیف یافته باشد مشمول مقررات بند «ب» ماده مذکور است.

نظریه مشورتی شماره ۴۳۱/۹۹/۷ مورخ ۱۸/۰۴/۹۹

سؤال ۱- در بند «ت» ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس، مجازات ماده ۶۷۷ قانون تعزیرات در صورتی که خسارات ۱۰۰ میلیون ریال یا کمتر باشد، با توجه به اینکه مجازات جزای نقدی در این قسمت نسبی است آیا جرم مزبور بر اساس تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی جرم تعزیری درجه ۷ است؟ مرجع صالح برای رسیدگی به جرم مذکور کدام است؟ ملاک ارزیابی چیست؟ و در صورت کارشناسی آیا نظریه کارشناسی قابل اعتراض است؟ آیا نظر قاضی ملاک است؟ چنانچه در احراز میزان خسارات بین دادگاه و دادسرا اختلاف شد تکلیف چیست؟ اگر در اثنای رسیدگی در دادگاه یا دادسرا مشخص شد که خسارات وارده بیشتر یا کمتر بوده است که موجب تغییر صلاحیت مرجع رسیدگی کننده و درجه جرم شود تکلیف چیست؟

پاسخ سؤال ۱ الف- در فرض سؤال که مجازات جرم صرفاً جزای نقدی نسبی است، با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۷۵۹ مورخ ۱۳۹۶/۴/۲۰ و لحاظ قسمت اخیر تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم درجه هفت محسوب و طبق ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مستقیماً در دادگاه کیفری مطرح می‌شود.

پاسخ سوال ۱ ب- ارزش مال مورد تخریب حسب مورد ممکن است در اجرای صدر ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و بند «پ» ماده ۶۸ همین قانون توسط شاکی (مستندات شکوائیه) یا با توافق طرفین یا جلب نظر کارشناس یا به نحو دیگری به تشخیص مقام قضایی تعیین شود. در اعمال قانون مورد بحث، معیار، ارزش مال موضوع تخریب در زمان وقوع جرم است.

پاسخ سوال ۱ ج- با عنایت به ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصل بر انجام تحقیقات مقدماتی توسط بازپرس است. در فرض سؤال باید پرونده در دادسرا مطرح شود (مانند بزه موضوع ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ که با توجه به میزان خسارت واردشده، میزان مجازات تعیین می‌شود و جرم حسب مورد درجه هفت یا شش محسوب می‌شود). چنانچه دادسرا تشخیص دهد که جرم درجه هفت است، در اجرای ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پرونده جهت ادامه تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به دادگاه ارسال می‌شود و در غیر این صورت بازپرس به انجام تحقیقات مقدماتی خود ادامه داده و در صورت صدور قرار جلب دادرسی و کیفرخواست، پرونده به دادگاه ارسال می‌شود. دادسرا مکلف است که طبق دستور دادگاه عمل نماید و اختلاف نظر بین دادسرا و دادگاه منتفی است.

سؤال ۲- در ماده ۲۸ اصلاحی، آیا نصاب‌های مذکور در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی که ملاک تعیین درجات جرم است نیز مدنظر این ماده می‌باشد یا خیر یعنی در صورت افزایش نرخ تورم، درجه مجازات‌ها حسب ماده ۱۹ تغییر می‌کند؟ یا فقط مجازات قانونی ملاک تعیین درجه جرم است؟ ذکر کلمه تخلفات متناسب با قانون مجازات نیست علت طرح آن و مراد چیست؟

پاسخ سؤال ۲ الف- با توجه به این‌که مبالغ جزای نقدی موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز بر اساس ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ تغییر پیدا می‌کند، در نتیجه تغییری در درجه‌بندی مجازات‌ها ایجاد نخواهد کرد.

پاسخ سوال ۲ ب- ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ بدون استثناء شامل تمام قوانین از جمله مجازات تخلفات صنفی موضوع صلاحیت تعزیرات حکومتی و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌شود.

سؤال ۳- مطابق ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در جرایمی که به ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی الحاق و جزء جرایم قابل گذشت محسوب شده‌اند آیا ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی جاری است یا این که غیر قابل گذشت بودن این جرایم تا قبل از این اصلاحیه، مانع و عذر موجهی تلقی می‌شود و آیا این قانون شکلی نیز عطف به ماسبق می‌شود؟

پاسخ سؤال ۳- مبدأ مرور زمان شکایت در ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مشخص شده است و قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ حکم خاصی در خصوص مبدأ مرور زمان شکایت ندارد و از سوی دیگر تغییر وصف جرم غیر قابل گذشت به جرم قابل گذشت در قانون لاحق در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ از مصادیق قوانین مساعد به حال متهم موضوع ماده ۱۰ این قانون محسوب می‌شود؛ بنابراین در فرض استعلام که شاکی تا تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون لاحق (قانون کاهش مجازات حبس تعزیری) شکایت خود را مطرح نکرده است، چنانچه تا این تاریخ مواعد مذکور در ماده ۱۰۶ این قانون سپری شده باشد، موجب قانونی جهت تعقیب کیفری متهم وجود نداشته و باید قرار موقوفی تعقیب صادر شود.

سؤال ۴- در جرایمی مانند تخریب، سرقت و کلاهبرداری که برای میزان مجازات و قابل گذشت بودن یا نبودن آن نصاب ریالی در نظر گرفته شده است چنانچه به صورت سریالی و متعدد باشد آیا ملاک، تک تک جرم‌هاست یا جمع آنها؟

پاسخ سؤال ۴- در مواردی که قابل گذشت بودن جرم مشروط به نصاب ریالی معینی است، در صورت تعدد جرم، هر یک از جرایم اعم از مختلف یا غیر مختلف، جداگانه مد نظر قرار می‌گیرد؛ مگر این که عرفاً یک جرم محسوب شود.

سؤال ۵- در ماده ۱۳ قانون جدید (اصلاح ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی) وضعیت جرایمی که صرفاً دارای حداکثر بوده و فاقد حداقل است روشن نشده است در این خصوص تکلیف چیست؟

پاسخ سؤال ۵- با عنایت به بند «ج» ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹، مجازات تا هفتاد و چهار ضربه شلاق فاقد حداقل است. در فرض سؤال همانگونه که در بند «ج» ماده ۱۳۴ اصلاحی ۱۳۹۹ نیز آمده است، جرم مورد نظر، جرم فاقد حداقل تلقی می‌گردد؛ بنابراین دادگاه می‌تواند وی را مطابق قسمت آخر ماده ۱۳۷ قانون پیش‌گفته به بیش از حداکثر مجازات تا یک چهارم آن محکوم کند.

سؤال ۶- در ماده ۱۱ قانون جدید عبارت «داشتن بزه دیده» به چه معنی است؟ آیا بدین معناست که در صورت نداشتن بزه دیده، جرم قابل گذشت نیست؟

پاسخ سؤال ۶- با توجه به ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹، جرایمی که در حکم کلاهبرداری هستند یا مجازات کلاهبرداری درباره آن‌ها مقرر شده است، در صورت نداشتن بزه‌دیده قابل گذشت و در غیر این صورت قابل گذشت نمی‌باشند.

سؤال ۷- در ماده ۷ قانون جدید در صورت وجود تعزیرات منصوص شرعی و اعمال ماده ۱۳۷ اصلاحی آیا ممکن است تعزیرات منصوص حسب مورد کنار گذاشته شده و مجازات اشد تعزیری اجرا شود؟

پاسخ سؤال ۷- مقررات ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ در خصوص جرایم تعزیری منصوص شرعی قابل اعمال نیست؛ زیرا مجازات منصوص شرعی که به موجب شرع تعیین شده، ثابت است و بر اساس ماده مذکور قابل تشدید نیست.

سؤال ۸- در خصوص ماده ۱۱ قانون جدید که قابل گذشت بودن برخی از مصادیق جرم سرقت، نداشتن سابقه کیفری موثر است، اگر پس از گذشت مدتی از اجرای مجازات، اعاده حیثیت حاصل شده و محکوم فاقد محکومیت کیفری باشد از زمان حصول اعاده حیثیت و در صورت وجود ارزش مالی زیر بیست میلیون

تومان آیا سرقت قابل گذشت محسوب می‌شود؟ به عبارت دیگر ملاک برای احراز فقدان سابق کیفری، زمان وقوع جرم است یا ابتدای زمان اجرا و یا هر زمان از اجرا؟

پاسخ سؤال ۸- شرط نداشتن سابقه مؤثر کیفری برای قابل گذشت بودن بزه سرقت‌های موضوع ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ مربوط به زمان وقوع جرم است.

سؤال ۹- در خصوص ماده ۶۱۴ قانون تعزیرات که مجازات آن به حبس درجه شش کاهش یافته است چنانچه قبل از قانون کاهش مجازات، کسی به یک سال حبس محکوم شده باشد، با توجه به این‌که بر اساس قانون جدید تعیین مجازات بیش از حداقل باید توجیه شده و علت صدور حکم به مجازات حبس بیش از حداقل بیان شود آیا مورد مشمول بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی بوده است؟ و آیا دادگاه الزام به تخفیف دارد؟

پاسخ سؤال ۹- فرض سؤال از موارد اعمال مقررات بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است؛ زیرا مجازات جرم موضوع ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ به موجب بند «الف» ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری تقلیل یافته است (به استثنای تبصره این ماده)؛ اما عدم توجیه تعیین مجازات حبس بیش از حداقل مجازات قانونی مطابق قانون حاکم صورت گرفته و موجبی برای اعمال مقررات بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ صرفاً از حیث عدم توجیه حداقل حبس مؤثر وجود ندارد.

سؤال ۱۰- در ماده ۱۱ قانون جدید که برای کلاهبرداری و انتقال مال غیر شرط نصاب پیش بینی شده است، آیا برای جرایم در حکم کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری برای آن مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود نیز نصاب لازم است؟

پاسخ سؤال ۱۰- با توجه به ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹، قابل گذشت بودن جرایم در حکم کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری درباره آن‌ها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود، مشروط به نصاب خاصی نیست.

سؤال ۱۱- آیا موارد تشدید مجازات که در ماده ۶۲۱ قانون تعزیرات پیش بینی شده است بر اساس قانون جدید حذف شده است؟

پاسخ سؤال ۱۱- خیر، حذف نشده است و با توجه به بند «ب» ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، چنانچه ارتکاب رکن مادی بزه آدم‌ربایی موضوع ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ با عنف یا تهدید باشد، مجازات حبس درجه چهار و در غیر این صورت (با حيله یا به هر نحو دیگر) مجازات مرتکب حبس درجه پنج خواهد بود و در مواردی که سن مجنی‌علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد و یا به مجنی‌علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مجازات آن مطابق قسمت دوم ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ حداکثر مجازات مقرر در قانون خواهد بود که با توجه به نحوه تعیین مجازات طبق قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، مجازات مرتکب مشمول قسمت دوم ماده ۶۲۱ اصلاحی ۱۳۹۹ حسب مورد حداکثر حبس درجه چهار یا درجه پنج است.

سؤال ۱۲- در مواردی که دادگاه قبل از لازم‌الاجرا شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، بر اساس ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجازات حبس را تخفیف داده است، آیا قاضی اجرای احکام کیفری باید وفق ماده ۱۰ قانون پیش‌گفته پرونده را به دادگاه ارسال کند؟

پاسخ سؤال ۱۲- در تبصره ماده ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، مجازات قانونی جرم تقلیل نیافته است تا در خصوص پرونده‌هایی که منجر به صدور حکم قطعی شده است، موجب اعمال بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شود؛ لیکن رعایت مقررات این تبصره در کلیه پرونده‌هایی که پس از لازم‌الاجرا شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در حال رسیدگی است، لازم‌الرعایه است.

سؤال ۱۳- ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ در چه مواردی مساعد به حال محکوم است تا قاضی اجرای احکام کیفری بر اساس ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی پرونده‌ها را به دادگاه ارسال نماید؟

پاسخ سؤال ۱۳- تشخیص اخف بودن قانون لاحق نسبت به قانون سابق حسب مورد به عهده قاضی رسیدگی‌کننده است.

سؤال ۱۴- در خصوص ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹، ملاک تفکیک جرایم مختلف و غیر مختلف چیست؟ آیا ملاک، عنصر مادی است یا قانونی؟ به عنوان مثال سرقت مشدد و سرقت ساده یا جعل و استفاده از سند مجعول جرایم مشابه هستند یا مختلف؟

پاسخ سؤال ۱۴- در موارد زیر جرایم «غیرمختلف» محسوب می‌شوند:

۱- ارتکاب یک جرم خاص به صورت متعدد؛ مانند ارتکاب متعدد سرقت‌های منطبق با یک ماده مشخص.

۲- جرایمی که به‌رغم تعدد عنصر قانونی و متفاوت بودن مجازات‌ها، تحت عنوان جرم واحد شناخته می‌شوند، مانند سرقت‌های متعدد، جعل اسناد مختلف، صدور چک بلامحل به هر شیوه که در قانون مقرر شده است.

۳- رفتارهای متعدد مجرمانه که موضوع آن‌ها واحد است؛ مانند حمل، نگهداری، فروش، صادرات، واردات و ساخت مواد مخدر از نوع واحد، مشروبات الکلی، تجهیزات دریافت از ماهواره و اسلحه و مهمات از نوع واحد.

۴- دو یا چند رفتار مجرمانه که در یک ماده قانونی ذکر و برای آن‌ها مجازات پیش‌بینی شده است.

۵- ارتکاب جرایمی که مجازات جرم دیگر درباره آن‌ها مقرر شده است یا طبق قانون جرم دیگری محسوب می‌شود؛ مانند کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری درباره آن‌ها مقرر شده است و یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود.

۶- شروع، معاونت و مباشرت در یک جرم.

ضمناً در مواردی که به موجب نص خاص یا رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور از قبیل رأی شماره ۶۲۴ مورخ ۱۳۷۷/۱/۱۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور (جعل و استفاده از سند مجعول) بر خلاف ضوابط و معیارهای فوق احکام خاصی مقرر شده باشد به همان ترتیب عمل می‌شود.

نظریه مشورتی شماره ۴۳۴/۹۹/۷ مورخ ۱۸/۰۴/۹۹

سوال ۱- مراد از میزان خسارت وارده در بند «ت» ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری میزان و قیمت خسارت زمان وقوع تخریب و تلف از کار انداختن است یا زمان ارسال پرونده از اجرای احکام جهت اعمال قانون اخف؟

پاسخ ۱- ارزش مال مورد تخریب حسب مورد ممکن است در اجرای صدر ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و بند «پ» ماده ۶۸ همین قانون توسط شاکی (مستندات شکوائیه) یا با توافق طرفین یا جلب نظر کارشناس یا به نحو دیگری به تشخیص مقام قضایی تعیین شود. در اعمال قانون مورد بحث معیار، ارزش مال موضوع تخریب در زمان وقوع جرم است.

سوال ۲- لحاظ تبدیل مجازات ماده ۶۰۸ قانون تعزیرات به جزای نقدی درجه شش حسب بند «ج» ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری چنانچه محکوم‌علیه به مجازات شلاق اعلام کند قادر به پرداخت جزای درجه شش بیش از بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال نبوده و مناسب به اخف به حال وی اجرای مجازات شلاق است و برای اجرای حکم شلاق اعلام آمادگی نماید در این وضعیت همچنان تکلیف و الزام به تبدیل مجازات شلاق به جزای نقدی پابرجاست؟

پاسخ ۲- ملاک اعمال مقررات بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اخف بودن قانون لاحق نسبت به قانون سابق است؛ نه مجازات قضایی مندرج در حکم؛ بنابراین با توجه به بند «ج» ماده یک قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، مجازات جرم توهین به جزای نقدی درجه شش تبدیل شده است و چون این مجازات نسبت به مجازات سابق اخف است، قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است مطابق بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از دادگاه صادرکننده حکم قطعی درخواست اصلاح حکم کند. بر این اساس، اجرای محکومیت سابق محکوم به شلاق تعزیری موضوعاً منتفی شده و حکم جدید اجرا خواهد شد. بدیهی است که مجازات تعیین‌شده اخیر که در اجرای بند «ب» ماده ۱۰ قانون فوق‌الذکر تعیین می‌شود، باید با لحاظ معیارهای قانونی نظیر معیارهای مذکور در ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نسبت به مجازات قبلی تخفیف‌یافته محسوب شود.

نظریه مشورتی شماره ۴۵۱/۹۹/۷ مورخ ۱۴/۰۴/۹۹

سوال- منظور از عبارت می‌تواند در بند «الف» ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری چیست؟ به عبارت دیگر آیا تعیین مجازات بیشتر از میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی در تعدد مادی تا سه جرم در جرایم مشابه و تعیین حداکثر مجازات قانونی در تعدد مادی بیش از سه جرم در جرایم مشابه مانند تعدد جرایم مختلف اجباری است یا اختیاری؟

پاسخ- مطابق بند «الف» ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی (۱۳۹۹/۲/۲۳)، هرگاه جرایم ارتكابی مختلف نباشد، فقط یک مجازات تعیین می‌شود و دادگاه الزامی به تشدید مجازات ندارد. دادگاه مخیر است حسب مورد مطابق ضوابط مقرر در بندهای «ب» و «پ» ماده مذکور مجازات را تشدید کند.

نظریه مشورتی شماره ۴۲۰/۹۹/۷ مورخ ۱۷/۰۴/۹۹

سوال- نحوه نگارش تبصره ماده ۳۷ که در ماده ۶ قانون کاهش مجازات حبس تصویب شده و به گونه‌ای است که اختلاف برانگیز است با این توضیح که آیا دادگاه پس از تخفیف به کمتر از ۹۱ روز حبس باید مجدداً آن را در همان دادنامه تبدیل به مجازات جایگزین خواهد کرد یا نیازی به این امر نیست لذا بایستی این امر توسط دادگاه صورت پذیرد و تبدیل به روبه واحد در محاکم شود.

پاسخ- بر اساس تبصره ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی الحاقی ۱۳۹۹ (موضوع ماده ۶ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری) چنانچه حکم به حبس کمتر از نود و یک روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می‌شود؛ بنابراین دادگاه بر اساس مواد ۷۰ و ۸۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ باید ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین کند تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورها یا عجز از پرداخت جزای نقدی با رعایت ماده ۸۱ این قانون مجازات حبس اجرا شود.

نظریه مشورتی شماره ۴۵۷/۹۹/۷ مورخ ۲۴/۰۴/۹۹

سوال - با توجه به قانون کاهش مجازات تعزیری مصوب ۲۳/۲/۱۳۹۹ مستدعی است در پاسخ اعلام فرمایید:

جرائم تصرف عدوانی ممانعت از حق و مزاحمت ملکی و همچنین تخریب چنانچه میزان خسارات وارده ۱۰۰ میلیون ریال یا کمتر باشد در صلاحیت دادسرا است که باید با کیفرخواست به دادگاه ارسال گردند یا اینکه جزو جرایمی هستند که در صلاحیت مستقیم دادگاه کیفری دو می‌باشند؟

پاسخ- اولاً، بزه تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق موضوع ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ در مواردی که املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی باشد، طبق ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ قابل گذشت است و مشمول تقلیل مجازات حبس موضوع تبصره ماده اخیرالذکر است و همین مجازات تقلیل یافته، مجازات قانونی جرم است که در انطباق آن با شاخص‌های ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم درجه هفت محسوب و طبق ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود.

ثانیاً، در فرض سؤال که مجازات جرم صرفاً جزای نقدی نسبی است، با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۷۵۹ مورخ ۱۳۹۶/۴/۲۰ و لحاظ قسمت اخیر تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم درجه هفت محسوب و طبق ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مستقیماً در دادگاه کیفری مطرح می‌شود. ارزش مال مورد تخریب حسب مورد ممکن است در اجرای صدر ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و بند «پ» ماده ۶۸ همین قانون توسط شاکی (مستندات شکوائیه) یا با توافق طرفین یا جلب نظر کارشناس یا به نحو دیگری به تشخیص مقام قضایی تعیین شود. در اعمال قانون مورد بحث، معیار، ارزش مال موضوع تخریب در زمان وقوع جرم است. با عنایت به ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصل بر انجام تحقیقات مقدماتی توسط بازپرس است. در فرض سؤال باید پرونده در دادسرا مطرح شود (مانند بزه موضوع ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ که با توجه به میزان خسارت وارد شده، میزان مجازات تعیین می‌شود و جرم حسب مورد درجه هفت یا شش محسوب می‌شود). چنانچه دادسرا تشخیص دهد که جرم درجه هفت است، در اجرای ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پرونده جهت ادامه تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به دادگاه ارسال می‌شود و در غیر این صورت بازپرس به انجام تحقیقات مقدماتی خود ادامه داده و در صورت صدور قرار جلب دادرسی و کیفرخواست، پرونده به دادگاه ارسال می‌شود.

نظریه مشورتی شماره ۴۶۰/۹۹/۷ مورخ ۲۸/۰۴/۹۹

سوال ۲- همان‌گونه که مستحضر هستید برخی جرایم قابل گذشت مثل خیانت در امانت سوء استفاده از سفید امضاء جعل و استفاده از اسناد عادی در حال حاضر مستند به ماده ۱۰۴ قانون اصلاحی مجازات اسلامی قابل گذشت هستند چنانچه جرایم مذکور در فروردین ۹۸ واقع شده باشد و شاکی در خرداد ۹۹ اعلام شکایت کرده باشد و حال که این جرایم گذشت است و مشمول ماده ۱۰۶ قانون مجازات شده است آیا مرور زمان یک سال جرایم قابل گذشت به جرایم جدید قابل تسری است یا خیر؟

آیا در مثال فوق باید به رسیدگی ادامه داد یا اینکه قرار موقوفی تعقیب مستند به بند ۳ ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری صادر شود آیا برای شاکی حقوق مکتسبه به وجود آمده یا اینکه وفق بند «ت» ماده ۱۱ قانون مجازات مواد مربوط به مرور زمان فوراً اجرا شده و عطف به ماسبق می‌شود؟

پاسخ ۲- در فرض استعلام که شاکی پیش از لازم الاجرا شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹، مطابق قانون حاکم، شکایت خود را مطرح کرده است، تغییر وصف جرم غیرقابل گذشت به جرم قابل گذشت به موجب قانون لاحق (ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹) با توجه به طرح شکایت شاکی در زمان قانون سابق و شروع به تعقیب متهم و در نتیجه انتفای مرور زمان شکایت، موجب قانونی جهت تسری مقررات ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نسبت به فرض استعلام وجود ندارد.

سوال ۵- در بند «ث» ماده ۱ قانون کاهش مجازات تعزیری مجازات ماده ۶۸۴ قانون تعزیرات به حبس درجه شش تغییر یافته است و در صدر ماده ۱۰۴ جدید اصلاحی قانون مجازات اسلامی به این ماده اشاره و در تبصره همین ماده حداقل و حداکثر مجازات‌های حبس تعزیری درجه ۴ تا ۸ مقرر در قانون برای جرایم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد آیا مجازات ماده ۶۸۴ تعزیرات اصلاحی ۹۹ که در صدر قانون جدید به حبس درجه شش تغییر یافته مجدداً مستند به تبصره الحاقی به ماده ۱۰۴ اصلاحی قانون مجازات اسلامی به نصف تقلیل می‌یابد یا خیر؟

پاسخ ۵- طبق بند «ث» ماده یک قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، مجازات حبس جرم موضوع ماده ۶۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، حبس تعزیری درجه شش تعیین شده است و چون این جرم طبق ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹، جرم قابل گذشت است، لذا مشمول تقلیل مجازات حبس موضوع تبصره الحاقی ماده اخیرالذکر نیز می‌شود (حداقل و حداکثر مجازات حبس به نصف تقلیل یافته است؛ در نتیجه مجازات حبس جرم موضوع ماده مذکور سه ماه تا یک سال است).

سوال ۱۰- با توجه به اینکه در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری هر جا لفظ قانون به صورت مطلق به کار رفته است منظور قانون مجازات اسلامی بوده است آیا حداقل و حداکثر حبس جرایم قابل گذشت مندرج در سایر قوانین نیز مشمول مقرره مندرج در ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری خواهد شد یا خیر؟

پاسخ ۱۰- با توجه به اطلاق تبصره ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، حکم مقرر در این تبصره شامل کلیه مجازات‌های حبس تعزیری درجه چهار تا هشت در جرایم قابل گذشت در تمام قوانین عام و خاص است.

سوال ۱۲- در ماده ۶ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری بند «ت» ماده ۳۷ اصلاحی کلمه تقلیل انفصال دائم به کار رفته است که در متن قانون کلمه تبدیل به کار رفته بود این تغییر چه نتیجه و ثمره عملی به دنبال دارد؟

پاسخ ۱۲- تغییر واژه «تبدیل» به واژه «تقلیل» در بند «ت» ماده ۳۷ اصلاحی قانون مجازات اسلامی فاقد ثمره عملی است و صرفاً ویرایش ادبی محسوب می‌شود.

سوال ۱۵- با عنایت به ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ملاک میزان مبلغ موضوع کلاهبرداری و انتقال مال غیر زمان طرح شکایت یا زمان وقوع جرم است؟

پاسخ ۱۵- در فرض سؤال، میزان مبلغ مال موضوع کلاهبرداری و انتقال مال غیر در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹، قیمت زمان وقوع جرم است.

سوال ۱۹- با توجه به اینکه در قانون مجازات اسلامی مانند ماده ۶۸۸ بخش تعزیرات یا سایر قوانین جرایمی با مجازات فاقد حداقل و صرفاً بیان حداکثر مجازات وجود دارند آیا در راستای اعمال ماده ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری قاضی بدون وجود جهات مقرر در بندهای ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مکلف به حکم به یک روز حبس می‌باشد؟

پاسخ ۱۹- فرض استعلام به لحاظ نداشتن حداقل مجازات حبس در قانون از شمول تبصره ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی الحاقی ۱۳۹۹ خارج است و مفاد بند «ج» ماده ۱۳۴ اصلاحی مؤید این امر است.

سوال ۲۱- چنانچه ضابط سارقی را تحت عنوان جرم مشهود دستگیر نماید و پس از حضور نزد مقام قضایی شرایط مندرج در ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و در نتیجه قابل گذشت بودن فعل ارتكابی محرز گردد و دسترسی به شاکی خصوصی مقدور نشود تکلیف چیست؟

پاسخ ۲۱- هر چند در فرض سؤال، با توجه به ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، شروع به تعقیب در جرایم قابل گذشت مشروط به شکایت شاکی است؛ در فرض عدم دسترسی به شاکی با رعایت ملاک تبصره ذیل ماده ۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری، مراتب باید در صورت امکان توسط دادستان به نحو مقتضی به اطلاع بزه‌دیده برسد.

سوال ۲۲- در بزه جعل امضای چک سند عادی شاکی کسی است که امضاء به او منتسب شده یا کسی که چک به او خرج شده است در بزه استفاده از سند معجول نیز همین سوال مطرح می‌گردد به عنوان مثال فرض کنید «الف» با تبانی با «ب» امضای «ب» را ذیل چک جعل و آن را در بازار به «ج» خرج می‌نماید «ج» شکایت نماید نسبت به «الف» اعلام رضایت می‌نماید که می‌بایست قرار موقوفی تعقیب صادر شود حال اگر «ج» شکایت نماید چه تصمیمی می‌بایست اتخاذ شود آیا موضوع مشمول اعتبار امر مختومه شده است همین سوال در خصوص بزه فروش مال غیر با لحاظ اینکه مالک مال و خریدار در فرض بی اطلاع بودن متضرر محسوب می‌گردند مطرح است.

پاسخ ۲۲- با لحاظ ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، کسی که از جرم متضرر شده و تعقیب مرتکب را درخواست کند، شاکی نامیده شده و حق شکایت کیفری دارد. در هر صورت تشخیص و تعیین شاکی در هر پرونده امری موضوعی بوده که در صلاحیت مرجع قضایی رسیدگی کننده است.

نظریه مشورتی شماره ۴۵۰/۹۹/۷ مورخ ۲۵/۰۴/۹۹

سوال ۱- آیا جرایم موضوع ماده ۷۴۱ قانون مجازات اسلامی تعزیرات که فصل سوم جرایم رایانه‌ای تحت عنوان کلاهبرداری مرتبط با رایانه طبق بندی گردیده است قابل انطباق با عنوان جرایم که طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود موضوع قانون کاهش مجازات حبس تعزیری می‌باشد یا خیر؟

پاسخ ۱- با عنایت به این که ماده ۷۴۱ قانون مجازات اسلامی، تحت عنوان «کلاهبرداری مرتبط با رایانه» جرم انگاری شده است، جرم موصوف از جمله جرائمی است که از نظر قانونگذار کلاهبرداری محسوب می‌شود، بنابراین جرم مذکور مشمول احکام مقرر در تبصره الحاقی به ماده ۴۷ و ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ (موضوع قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹) می‌باشد.

سوال ۲- در پرونده‌هایی که در زمان تشکیل دارای مجازات قانونی بالاتر از ۷ و ۸ و در صلاحیت دادسرا بوده است و دادرسی شروع به رسیدگی نموده است لکن پس از لازم الاجرا شدن قانون کاهش مجازات و حبس تعزیری به دلیل کاهش مجازات قانونی به درجه ۷ و ۸ در صلاحیت کیفری ۲ قرار گرفته است که این آیا در پرونده‌ها ملاک صلاحیت زمان تشکیل پرونده است و دادسرا کماکان صلاحیت رسیدگی دارد یا اینکه لازم است جهت ادامه رسیدگی به دادگاه مربوطه ارسال گردد و بر فرض لزوم ارسال پرونده به دادگاه آیا این امر با دستور اداری توسط دادسرا به دادگاه ارسال گردد یا با قرار عدم صلاحیت و بر فرض عدم پذیرش ادامه رسیدگی توسط دادگاه آیا اختلاف در صلاحیت محقق می‌گردد و لازم است در مرجع حل اختلاف مرجع صالح تعیین گردد یا اینکه دادسرا مکلف به تبعیت از نظر دادگاه است و بر فرض تحقق اختلاف مرجع صالح برای حل اختلاف کدام می‌باشد؟

پاسخ ۲- اولاً، با توجه به این که طبق بندهای «الف» و «پ» ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قوانین مربوط به صلاحیت و شیوه دادرسی نسبت به جرایم سابق بر وضع قانون فوراً اجرا می‌شود و از طرفی به موجب ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، انجام تحقیقات مقدماتی جرایم تعزیری درجه هفت و هشت که به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، به عهده دادگاه مربوطه است؛ لذا در فرض سؤال ادامه انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به عهده دادگاه کیفری ذیصلاح است.

ثانیاً، با عنایت به این که حسب تصریح ذیل ماده ۲۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، درحوزه قضایی هر شهرستان در معیت دادگاه‌های آن حوزه، دادرسی عمومی و انقلاب تشکیل می‌گردد و صدور قرار عدم صلاحیت از سوی دادگاه به شایستگی دادرسی آن است و برعکس، موضوعیت ندارد؛ لذا اختلاف در صلاحیت نیز بین دادسرا و دادگاه یک حوزه قضایی منتفی است. درخصوص جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸، چنانچه پرونده در دادسرا مطرح باشد، بدون دخالت دادسرا و صرفاً طی دستوری پرونده به دادگاه ذیصلاح ارسال می‌گردد و مورد از موارد صدور قرار عدم صلاحیت نیست. همچنین در صورتی که دادگاه جرم را از جمله جرائمی تشخیص دهد که انجام تحقیقات مقدماتی آن در دادسرا صورت پذیرد،

با کیفرخواست به دادگاه ارسال شود، در این صورت به دستور دادگاه، پرونده به دادسرا ارسال می‌شود و دادسرا باید طبق نظر دادگاه اقدام کند.

سوال ۴- آیا شروع جرم کلیه موضوع ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی به قابل گذشت تبدیل شده است یا اینکه ملاک قابل گذشت بودن نصاب مقرر قانونی مثلاً کمتر یا بیشتر از بیست میلیون تومان در سرقت باید لحاظ گردد و بر فرض مثبت بودن پاسخ و موثر بودن نصاب در قابل گذشت بودن شروع به جرم در مواردی که عملیات مجرمانه شروع شده لکن هنوز به مرحله وضع ید نسبت به مال شاکی جهت محاسبه ارزش مالی آن منجر شده است نحوه محاسبه نصاب مقرر قانونی به چه شکل می‌باشد؟

پاسخ ۴- مجازات شروع به جرم با توجه به مجازات قانونی مقرر برای همان جرم که به نحو تام ارتکاب می‌یابد تعیین می‌شود. در صورتی که رفتار ارتكابی شروع به جرم محسوب شود ولی برای تطبیق آن با گونه‌های مختلف یک جرم مانند سرقت‌های مختلف، دلایل و قرائن لازم موجود نباشد، باید به قدر متیقن اکتفاء و مبتنی بر سبک‌ترین عنوان مجرمانه اتخاذ تصمیم کرد.

سوال ۵- آیا در سرقت‌های متعدد ارتكابی جمع ارزش اموال مسروقه ملاک تعیین قابل گذشت یا غیر قابل گذشت بودن است یا اینکه ارزش هر فقره سرقت ملاک می‌باشد یا اینکه میزان اموال ربوده شده از هر شاکی صرف نظر از تعداد فقرات سرقت ارتكابی ملاک می‌باشد؟

پاسخ ۵- در مواردی که قابل گذشت بودن جرم مشروط به نصاب ریالی معینی است، در صورت تعدد جرم، هر یک از جرایم اعم از مختلف یا غیر مختلف، جداگانه مد نظر قرار می‌گیرد؛ مگر این‌که عرفاً یک جرم محسوب شود.

نظریه مشورتی شماره ۴۸۸/۹۹/۷ مورخ ۲۴/۰۴/۹۹

سؤال ۱- آیا محکومین قطعی به حبس ابد غیر حدی (که تاریخ وقوع جرم و محکومیت قطعی آن‌ها قبل از لازم‌الاجرا شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ است)، مشمول مقررات تبصره ۶ الحاقی به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی می‌شوند؟

پاسخ سؤال ۱- در مورد آن دسته از محکومانی که به حبس ابد غیر حدی محکوم شده‌اند، با توجه به تبصره ۶ الحاقی به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ که تمام حبس‌های ابد غیر حدی مقرر در قانون به حبس درجه یک تبدیل می‌شود، چون قانون لاحق نسبت به قانون سابق خفیف می‌باشد، موضوع مشمول بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است؛ ولی چنانچه محکومیت محکوم به حبس ابد، با اعمال عفو به مجازات حبس مدت‌دار و معین تبدیل شده باشد و باقی‌مانده حبس بیش از بیست و پنج سال نباشد، به لحاظ مساعد نبودن به حال مرتکب، قانون جدید اعمال نمی‌گردد.

سؤال ۲- آیا با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، شروع به جرم‌هایی که بعد از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم‌انگاری شده‌اند، مانند شروع به جرم مذکور در قسمت اخیر ماده ۶۱ قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۰ و نیز شروع به جرم موضوع ماده ۶۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ به قوت خود باقی است؟

پاسخ سؤال ۲- با عنایت به نص ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، تمام مصادیق خاص قانونی که در آن‌ها برای شروع به جرم و معاونت در جرم مشخص، تحت همین عناوین مجازات تعیین شده است، نسخ شده است؛ بنابراین مورد اشاره‌شده در استعلام که قبلاً به طور خاص برای شروع به جرم، مجازات تعیین شده نیز مطابق مقررات عام مربوط به شروع جرم مذکور در ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ رفتار می‌شود.

نظریه مشورتی شماره ۴۷۶/۹۹/۷ مورخ ۲۵/۰۴/۹۹

سوال- با توجه به اینکه حسب بند «الف» ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی سال ۱۳۹۹ مقرر شده در مواردی که جرایم مختلف نباشد فقط یک مجازات تعیین می‌شود و از سوی دیگر حسب مفاد ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷ جزای نقدی، معادل مال کلاهبرداری است، در موارد تعدد جرم، آیا جزای نقدی معادل مجموع اموال کلاهبرداری شده است یا فقط به میزان یکی از موارد؟ در صورت اخیر، به دلیل اینکه ممکن است مبالغ کلاهبرداری یکسان نباشد جزای نقدی معادل کدام یک تعیین شود؟

پاسخ- در صورت ارتکاب کلاهبرداری‌های متعدد، صرفاً یک فقره مجازات جزای نقدی بر اساس بزه‌ی که مال برده شده در آن نسبت به سایر جرایم بیشتر است تعیین می‌شود زیرا اولاً، حسب صراحت بند «الف» ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹، هرگاه جرایم ارتکابی مختلف نباشد فقط یک مجازات تعیین می‌شود بنابراین جزای نقدی بیشتر که جزئی از مجازات‌های کلاهبرداری است از شمول این مقرر خارج نیست. ثانیاً، عبارت پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است در ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ ناظر به ارتکاب جرم واحد بوده و منصرف از موارد تعدد جرم و قواعد مربوط به آن است.

نظریه مشورتی شماره ۴۱۵/۹۹/۷ مورخ ۱۷/۰۴/۹۹

سؤال ۱- با توجه به وجهه تخفیف‌آمیز قانون و کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ و تغییر صلاحیت محاکم با کاهش مجازات حبس، آیا تبصره ۳ ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص این قانون نیز تسری دارد؟ آیا بین پرونده جاری و مختومه از حیث صلاحیت رسیدگی به اقدامات بعدی همچون تخفیف مجازات تفاوتی وجود دارد. در صورتی که مطابق قانون فوق‌الذکر مجازات جرمی به درجه هفت یا هشت تقلیل پیدا کرده باشد، آیا دادسرا نیز باید مطابق تبصره ماده ۲۹۶ اقدام کند یا این‌که از موارد صدور قرار عدم صلاحیت است؟

پاسخ سؤال ۱ الف- هرچند طبق بند «الف» ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قوانین مربوط به صلاحیت نسبت به جرایم سابق بر وضع قانون فوراً اجرا می‌شود؛ لیکن در فرض سؤال با توجه به ماده ۴۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و ملاک تبصره ۳ ماده ۲۹۶ این قانون، دادگاه کیفری یک که رسیدگی به جرم درجه سه را شروع کرده است، با تصویب و لازم‌الاجرا شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، به رغم تغییر درجه جرم از درجه سه به چهار، طبق قانون اخیرالذکر مکلف به ادامه رسیدگی است و نمی‌تواند قرار عدم صلاحیت صادر کند.

پاسخ سؤال ۱ ب- نظر به صراحت بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که اشعار داشته «دادگاه صادرکننده حکم قطعی»؛ لذا در فرض سؤال با توجه به این‌که حکم قطعی از سوی دادگاه کیفری یک صادر شده و دادگاه مذکور در زمان رسیدگی صلاحیت رسیدگی را داشته است، لذا اقدام بعدی مبنی بر تخفیف مجازات با لحاظ قانون (جدید) لاحق، با همان دادگاه خواهد بود.

پاسخ سؤال ۱ ج- با توجه به بندهای «الف» و «ب» ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قوانین مربوط به صلاحیت و شیوه دادرسی نسبت به جرایم سابق بر وضع قانون فوراً اجرا می‌شوند و از طرفی به موجب ماده

۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، انجام تحقیقات مقدماتی جرایم تعزیری درجه هفت و هشت که به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، به عهده دادگاه مربوطه است؛ لذا در فرض سؤال، ادامه انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به عهده دادگاه کیفری ذیصلاح است.

سؤال ۲- با توجه به تقلیل مجازات جرم آدم‌ربایی در بند «ب» ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، در فرضی که مجنی‌علیه کمتر از پانزده سال دارد یا ربودن با وسایل نقلیه بوده یا به مجنی‌علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شده است، آیا مطابق قسمت دوم بند «ب» حبس درجه پنج تعیین می‌شود یا به حداکثر مجازات حبس درجه چهار (چرا) که قسمت اخیر ماده ۶۲۱ ق.م.ا.موارد تشدید مجازات را بیان کرده است؟

پاسخ سؤال ۲- با توجه به بند «ب» ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، چنانچه ارتکاب رکن مادی بزه آدم‌ربایی موضوع ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ با عنف یا تهدید باشد، مجازات حبس درجه چهار؛ و در غیر این صورت (با حيله یا به هر نحو دیگر) مجازات مرتکب حبس درجه پنج خواهد بود و در مواردی که سن مجنی‌علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسیله نقلیه انجام پذیرد و یا به مجنی‌علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مجازات آن مطابق قسمت دوم ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، حداکثر مجازات مقرر در قانون خواهد بود که با توجه به نحوه تعیین مجازات طبق قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، مجازات مرتکب مشمول قسمت دوم ماده ۶۲۱ اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳ و حسب مورد، حداکثر حبس درجه چهار یا درجه پنج خواهد بود.

سؤال ۳- آیا مطابق بند «ت» ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، ملاک صلاحیت و میزان خسارت در جرم تخریب، صرف اعلام شاکی است؛ در صورت اختلاف بین طرفین تکلیف چیست؟ اگر در دادگاه میزان خسارت با کارشناسی یا اعلام خود شاکی کمتر از یک صد میلیون ریال برآورد شود، آیا دادگاه باید پرونده را به دادسرا ارسال کند؟ مضافاً این که دوگانگی در رسیدگی دادسرا و دادگاه نسبت به یک جرم به وجود می‌آید و باعث اطاله دادرسی می‌شود.

پاسخ سؤال ۳- ارزش مال مورد تخریب حسب مورد ممکن است در اجرای صدر ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و بند «پ» ماده ۶۸ همین قانون توسط شاکی (مستندات شکوائیه) یا با توافق طرفین یا جلب نظر کارشناس یا به نحو دیگری به تشخیص مقام قضایی تعیین شود. در اعمال قانون مورد بحث، معیار ارزش مال موضوع تخریب در زمان وقوع جرم است.

با عنایت به ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اصل بر انجام تحقیقات مقدماتی توسط بازپرس است. در فرض سؤال باید پرونده در دادسرا مطرح شود؛ مانند بزه موضوع ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ که با توجه به میزان خسارت وارد شده، میزان مجازات تعیین می‌شود و جرم حسب مورد درجه هفت یا شش محسوب می‌شود. چنانچه دادسرا تشخیص دهد که جرم درجه هفت است، در اجرای ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پرونده جهت ادامه تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به دادگاه ارسال می‌شود و در غیر این صورت بازپرس به انجام تحقیقات مقدماتی خود ادامه داده و در صورت صدور قرار جلب دادرسی و کیفرخواست، پرونده به دادگاه ارسال می‌شود.

سؤال ۴- آیا ماده ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری از جهات مخففه موضوع ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی است و واحد اجرای احکام می‌بایست پرونده‌هایی را که مطابق ماده ۲ اقدام نشده است، در راستای ماده ۱۰ یادشده به دادگاه صادرکننده رای قطعی ارسال کند؟ یا این که حسب سیاق ماده مذکور عطف به ماسبق نمی‌شود و ناظر به آینده است؟

پاسخ سؤال ۴- در تبصره موضوع ماده ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، مجازات قانونی جرم تقلیل نیافته است تا در خصوص پرونده‌هایی که منجر به صدور حکم قطعی شده است، موجب اعمال بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شود؛ لیکن رعایت مقررات این تبصره در کلیه پرونده‌هایی که پس از لازم‌الاجرا شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در حال رسیدگی است، لازم‌الرعایه است.

سؤال ۵- با توجه به ماده ۳ قانون و ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر، در حبس‌های ابد غیر حدی آیا ماده ۳ یادشده ناسخ ماده ۴۵ الحاقی است یا این که ماده ۴۵ الحاقی مخصص ماده ۳ قانون مذکور است؟

پاسخ سؤال ۵- مطابق ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶/۷/۱ مجازات مرتکبان جرایمی که در این قانون دارای مجازات «حبس ابد» هستند، حسب احراز یا عدم احراز یکی از شرایط مقرر در این ماده، به مجازات «اعدام» یا «حبس و جزای نقدی درجه دو» حسب مورد «تبدیل» شده است؛ لذا در فرض سؤال، بحث نسخ یا تخصیص بین ماده مذکور و تبصره ۶ الحاقی به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ (مبنی بر تبدیل تمام حبس‌های ابد غیر حدی مقرر در قانون به حبس درجه یک) اساساً سالبه به انتفاء موضوع است.

سؤال ۶- آیا از عبارت حبس‌های ابد بر حدی مقرر در قانون در ماده ۳ قانون حبس‌های ابدی که در قانون ذکر نشده هم چون ممسک در قتل خارج است یا حبس‌های ابد غیر حدی خارج از قانون مجازات اسلامی هم چون مواد مذکور در قانون مبارزه با مواد مخدر یا قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری؟

پاسخ سؤال ۶- اطلاق تمام حبس‌های ابد غیر حدی در تبصره ۶ ماده ۳ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ شامل کلیه حبس‌های ابد مقرر در تمام قوانین (مانند حبس ابد مقرر در ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری است)؛ اعم از قانون عام و خاص است. همچنین مطابق ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر الحاقی ۱۳۹۶ در جرایم موضوع این قانون، مجازات حبس ابد حسب مورد به اعدام یا حبس و جزای نقدی درجه دو تبدیل شده است؛ بنابراین مجازات حبس ابد در قانون اخیرالذکر منتفی است. حبس‌های ابد غیر حدی که در شرع مقرر شده است، مانند مجازات حبس ابد برای ممسک در قتل، از شمول تبصره ۶ الحاقی به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ خارج است.

سؤال ۷- با توجه به ماده بند «ب» ماده ۶ قانون ناظر بر ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی، نظر به این‌که امکان تبدیل مجازات حبس درجه‌های پنج و شش وجود دارد، چنانچه طی حکم سابق‌الصدور تنها مجازات متهم به لحاظ وجود جهات تخفیف تقلیل یافته باشد، آیا با پیش‌بینی امکان تبدیل حبس، قاضی اجرای احکام کیفری مطابق ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌بایست پرونده را جهت تبدیل به مجازات مساعدتر به دادگاه ارسال کند؛ یا این‌که با توجه به اختیار دادگاه به نوع تخفیف، تقلیل یا تبدیل، اعمال ماده ۱۰ منتفی است؟

پاسخ سؤال ۷- نظر به این‌که در فرض استعلام، مجازات قانونی جرم تخفیف نیافته و اعمال کیفیات مخففه مورد استعلامی نیز الزامی نبوده است، لذا موجبی برای اعمال بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیست.

سؤال ۸- آیا اعمال بند «ب» ماده ۶ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مبنی بر تبدیل حبس به مجازات‌های دیگر در حبس‌های کمتر از یک سال منوط به عدم امکان تبدیل حبس به مجازات‌ها جایگزین حبس است؛ یا این‌که بند «ب» ماده ۶ در عرض مجازات‌های جایگزین حبس قابلیت اعمال دارد؟

پاسخ سؤال ۸- در مورد نحوه تعیین مجازات در حبس‌های قانونی درجه هفت حسب مورد، دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات تخفیف طبق ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ مجازات را تخفیف دهد و نیز می‌تواند مطابق ماده ۶۶ این قانون نسبت به تعیین مجازات‌های جایگزین حبس اقدام کند؛ بنابراین در اعمال این

دو نهاد ارفاقی تعارضی وجود ندارد و هر کدام حسب اقتضا به انتخاب دادگاه صادرکننده رأی مورد استناد و عمل قرار می‌گیرد.

سؤال ۹- با توجه به ماده ۱۲ قانون فوق‌الذکر ناظر بر ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی: اولاً، آیا مجازات جرایم درجه هفت و هشت با هم جمع می‌شوند یا پس از تعیین مجازات، تنها مجازات اشد اجرا می‌شود؟ ثانیاً، آیا سرقت‌های موضوع مواد مختلف با مجازات متفاوت یا جرم تام و شروع به آن از مصادیق جرایم ارتکاب مختلف محسوب می‌شوند یا خیر؟ به عبارت دیگر، ملاک در مختلف بودن جرایم چیست؟

پاسخ سؤال ۹- اولاً، در مورد تعدد جرایم درجه هفت و هشت با یکدیگر، چنانچه جرایم ارتكابی مختلف نباشند، طبق بند «الف» ماده ۱۳۴ (اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲؛ و در صورتی که مختلف باشند، حسب مورد طبق بند «ب» یا «پ» ماده مذکور اقدام می‌شود.

ثانیاً، در فرض استعلام، مباشرت در سرقت و معاونت در همان جرم و شروع به این جرم، جرایم غیر مختلف محسوب می‌شود.

ثالثاً، در موارد زیر جرایم غیرمختلف محسوب می‌شود:

- ۱- ارتكاب یک جرم خاص به صورت متعدد؛ مانند ارتكاب متعدد سرقت‌های منطبق با یک ماده مشخص.
- ۲- جرایمی که به‌رغم تعدد عنصر قانونی و متفاوت بودن مجازات‌ها، تحت عنوان جرم واحد شناخته می‌شوند؛ مانند سرقت‌های متعدد، جعل اسناد مختلف، صدور چک بلامحل به هر شیوه که در قانون مقرر شده است.
- ۳- رفتارهای متعدد مجرمانه که موضوع آن‌ها واحد است؛ مانند حمل، نگهداری، فروش، صادرات، واردات و ساخت مواد مخدر از نوع واحد، مشروبات الکلی، تجهیزات دریافت از ماهواره و اسلحه و مهمات از نوع واحد.
- ۴- دو یا چند رفتار مجرمانه که در یک ماده قانونی ذکر و برای آن‌ها مجازات پیش‌بینی شده است.
- ۵- ارتكاب جرایمی که مجازات جرم دیگر درباره آن‌ها مقرر شده است یا طبق قانون جرم دیگری محسوب می‌شود؛ مانند کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری درباره آن‌ها مقرر شده است و یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود.
- ۶- شروع، معاونت و مباشرت در یک جرم.

ضمناً در مواردی که به موجب نص خاص یا رأی وحدت رویه دیوان‌عالی کشور از قبیل رأی شماره ۶۲۴ مورخ ۱۳۷۷/۱/۱۸ هیأت عمومی دیوان‌عالی کشور (جعل و استفاده از سند مجعول) ضوابط و معیارهای خاصی مقرر شده باشد به همان ترتیب عمل می‌شود.

سؤال ۱۰- با توجه به بند «الف» ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ناظر بر ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، چنانچه شخص مرتکب جرایم مختلف قابل گذشت شود و یکی از شکات گذشت کند، با توجه به این‌که تنها یک مجازات تعیین می‌شود، قبل و بعد از صدور حکم، چه اقدامی برای دادگاه یا واحد اجرای احکام متصور است؟

پاسخ سؤال ۱۰- در فرض سؤال، در جرایم متعدد، اعم از مختلف یا غیر مختلف قابل گذشت، چنانچه پیش از صدور حکم قطعی در خصوص یکی از دو جرم قابل گذشت، با گذشت شاکی، قرار موقوفی تعقیب صادر شود، نسبت به جرم دیگر مقررات تعدد اعمال نمی‌شود و بر اساس مقررات جرم واحد تعیین کیفر می‌شود؛ ولی چنانچه بعد از صدور حکم قطعی، یکی از شکات گذشت کند این امر تأثیری در مجازات تعیین‌شده که بر اساس مقررات تعدد صادر شده است ندارد.

سؤال ۱۱- نظر به این که در برخی سرقت‌ها ارزش مال مسروقه در قابل گذشت بودن یا نبودن آن موثر است، آیا ملاک اظهارات شاکی است یا در صورت اختلاف بین طرفین، باید قبل از اعلام گذشت استعلام یا کارشناسی شود؟

پاسخ سؤال ۱۱- ارزش مال مسروقه حسب مورد، ممکن است در اجرای صدر ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و بند «پ» ماده ۶۸ همین قانون توسط شاکی (مستندات شکوائیه) یا با توافق طرفین یا جلب نظر کارشناس یا به نحو دیگری به تشخیص مقام قضایی تعیین شود و در اعمال قانون مورد بحث، معیار، ارزش مال موضوع سرقت در زمان و مکان وقوع جرم است.

سؤال ۱۲- با توجه به عطف ماسبق شدن مقررات شکلی، آیا کلیه پرونده‌هایی که سابقاً در دادسرا مطرح شده و با تصویب این قانون مجازات تقلیل یافته و رسیدگی به آن در صلاحیت مستقیم دادگاه است، باید از آمار دادسرا کسر و به دادگاه ارسال شود؟ آیا دادسرا باید به تحقیقات و رسیدگی ادامه دهد و تکلیف پرونده‌های مطرحه در

مرحله تجدید نظر چیست؟ آیا به اعتبار قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و به لحاظ صلاحیت مستقیم دادگاه، آراء نقض و جهت رسیدگی مقدماتی به دادگاه ارسال می‌شود یا همان صلاحیت اولیه دادسرا پذیرفته است؟

پاسخ سؤال ۱۲ الف- اولاً؛ با توجه به این که طبق بندهای «الف» و «پ» ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قوانین مربوط به صلاحیت و شیوه دادرسی نسبت به جرایم سابق بر وضع قانون فوراً اجرا می‌شوند و از طرفی به موجب ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، انجام تحقیقات مقدماتی جرایم تعزیری درجه هفت و هشت که به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، به عهده دادگاه مربوطه است؛ لذا در فرض سؤال، ادامه انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به عهده دادگاه کیفری ذی صلاح است.

ثانیاً؛ با عنایت به ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اصل بر انجام تحقیقات مقدماتی توسط بازپرس است. در فرض سؤال باید پرونده در دادسرا مطرح شود (مانند بزه موضوع ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ که با توجه به میزان خسارت وارد شده، میزان مجازات تعیین می‌شود و جرم حسب مورد درجه هفت یا شش محسوب می‌شود)، چنانچه دادسرا تشخیص دهد که جرم درجه هفت است، در اجرای ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پرونده جهت ادامه تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به دادگاه ارسال می‌شود و در غیر این صورت، بازپرس به انجام تحقیقات مقدماتی خود ادامه داده و در صورت قرار جلب دادرسی و کیفرخواست، پرونده به دادگاه ارسال می‌شود.

پاسخ ۱۲ ب- اگر چه بر اساس بند «پ» ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قوانین مربوط به شیوه دادرسی باید فوراً اجرا شود، اما در فرض سؤال پرونده امر در مرحله تجدید نظر قرار دارد، با توجه به این که در زمان انجام تحقیقات دادسرا به موجب قانون حاکم در زمان مزبور برای انجام تحقیقات صالح بوده، لذا اقدامات انجام شده توسط دادسرا معتبر بوده و موجبی برای نقض دادنامه تجدید نظر خواسته و تجدید تحقیقات مقدماتی توسط دادگاه بدوی نیست.

سؤال ۱۳- آیا اطلاق عبارت تبصره الحاقی به ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی (تبصره ماده ۶ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری) تمام محدودیت‌ها ضوابط جایگزین‌های حبس (مواد ۶۶ و ۶۷ و ۷۳ قانون مجازات اسلامی) را دستخوش نسخ و تغییر کرده؛ یا این‌که باید بین عبارات تبصره مذکور با ضوابط مجازات‌های جایگزین حبس جمع و ارتباط برقرار کرد؟

پاسخ سؤال ۱۳- تبصره الحاقی ۱۳۹۹/۲/۲۳ به ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مقام تخفیف مجازات است؛ در حالی که اعمال مقررات مواد ۶۶، ۶۷ و ۷۳ قانون مذکور در مقام تعیین مجازات جایگزین حبس است؛ بنابراین در اعمال این دو نهاد ارفاقی تعارضی وجود ندارد و هر کدام حسب اقتضاء از سوی دادگاه صادرکننده رأی مورد استناد و عمل قرار می‌گیرد. چنانچه در اجرای بند «ب» ماده ۳۷ اصلاحی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مجازات حبس درجه شش به میزان دو درجه تقلیل یابد و طبق تبصره ذیل همان ماده حکم به حبس کمتر از نود و یک روز صادر شود، به استناد تبصره مذکور و رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۷۴۶ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ و ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تعیین مجازات جایگزین مربوط به سه ماه حبس و کمتر الزامی است.

سؤال ۱۴- با توجه به بند «ب» ماده یک قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، آیا کیفیات مشدده مندرج در ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی هنوز به اعتبار خود باقی است؟

پاسخ سؤال ۱۴- با توجه به بند «ب» ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، چنانچه ارتکاب رکن مادی بزه آدم‌ربایی موضوع ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ با عنف یا تهدید باشد، مجازات حبس درجه چهار و در غیر این صورت (با حيله یا به هر نحو دیگر) مجازات مرتکب، حبس درجه پنج خواهد بود و در مواردی که سن مجنی‌علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسیله نقلیه انجام پذیرد و یا به مجنی‌علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مجازات آن مطابق قسمت دوم ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، حداکثر مجازات مقرر در قانون خواهد بود که با توجه به نحوه تعیین مجازات طبق قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، مجازات مرتکب مشمول قسمت دوم ماده ۶۲۱ اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳ حسب مورد، حداکثر حبس درجه چهار یا درجه پنج خواهد بود.

نظریه مشورتی شماره ۵۰۸/۹۹/۷ مورخ ۳۱/۰۴/۹۹

سوال- نظر به اینکه به موجب مواد ۱ و ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، مجازات برخی از جرایم و به تبع آن درجه قانونی جرم مربوط تقلیل یافته است و برخی از جرایم نیز از غیر قابل گذشت به قابل گذشت تبدیل شده‌اند؛ نحوه احتساب مواعد مربوط به مرور زمان در همه انواع آن (شکایت، تعقیب و اجرا) راجع به جرایمی که تا قبل از لازم الاجرا شدن قانون فوق به وقوع پیوسته‌اند اعم از اینکه در دادگاه مطرح یا در آینده مطرح شوند چگونه خواهد بود؟ به عنوان مثال جرم انتقال مال غیر با مبلغ کمتر از یک میلیارد ریال در سال ۱۳۹۰ به وقوع پیوسته و شاکی نیز از آن مطلع بوده در این حالت مبدا احتساب مرور زمان یک ساله موضوع ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی کماکان تاریخ اطلاع است که منقضی شده و یا تاریخ لازم الاجرا شدن قانون اخیرالتصویب؟

پاسخ- با توجه به بند «ت» ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی قوانین مربوط به مرور زمان نسبت به جرایم سابق بر وضع قانون فوراً اجراء می‌شود؛ بنابراین با لازم‌الاجرا شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ نسبت به کلیه جرایم تعزیری که در نتیجه کاهش درجه مجازات آنها، مواعد مرور زمان نیز کاهش یافته باشد، مواعد انواع مرور زمان - شکایت، تعقیب، دادرسی و اجرای حکم - مطابق درجات جدید مجازات محاسبه می‌شود.

نظریه مشورتی شماره ۵۱۰/۹۹/۷ مورخ ۰۱/۰۵/۹۹

سوال- با توجه به ماده اصلاحی ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی که جرم کلاهبرداری تا مبلغ صد میلیون تومان جزو جرایم قابل گذشت به شمار آمده است و نظر به تعریف متفاوت جرم کلاهبرداری سنتی عادی و کلاهبرداری رایانه‌ای در قانون نظر خود را در مورد سوال ذیل مطرح فرمایید:

آیا یکی از شرایط قابل گذشت بودن جرم کلاهبرداری عادی فاقد سابقه بودن متهم است یا اینکه این شرط برای جرم سرقت است؟

پاسخ- به موجب ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ بزه کلاهبرداری به شرطی که مبلغ آن از نصاب مقرر در ماده ۳۶۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بیشتر نباشد قابل گذشت است و عبارت «سارق فاقد سابقه مؤثر کیفری باشد» در این ماده ناظر به بزه سرقت است نه کلاهبرداری.

نظریه مشورتی شماره ۴۹۰/۹۹/۷ مورخ ۱۳/۰۵/۱۳۹۹

سوال ۱- آیا جرایم مندرج در ماده ۲۴۳ لایحه قانونی اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ قابل گذشت است؟

پاسخ ۱- طبق صدر ماده ۱۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «چنانچه قابل گذشت بودن جرمی در قانون تصریح نشده باشد، غیر قابل گذشت محسوب می‌شود...». اصل بر غیر قابل گذشت بودن جرایم است و جرایم قابل گذشت در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ احصاء شده است و جرم موضوع ماده ۲۴۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت از جمله آن‌ها نبوده و در نتیجه قابل گذشت نیست.

سوال ۲- در بند «پ» ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی که به موجب ماده ۶ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری اصلاح شده است، تبدیل مصادره کل اموال به جزای نقدی درجه یک تا درجه چهار پیش بینی شده است. کلمه «کل» که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ وجود نداشته و اخیراً اضافه شده است چه مصادیقی را اضافه کرده و چه مواردی را از شمول قانون خارج می‌سازد؟

پاسخ ۲- در بند «پ» ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «مصادره اموال» قید شده بود که منظور همان مصادره کل اموال بود. در قانون کاهش مجازات حبس برای رفع ابهام، کلمه «کل» اضافه شده است و این موضوع، منصرف از ضبط اموالی است که دلیل یا وسیله ارتکاب جرم بوده یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است؛ بلکه این بند از ماده ۳۷ ناظر به موردی است که مصادره اموال به شرح مقرر در بند یک ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی به عنوان مجازات مقرر شده باشد که در حال حاضر تنها مصداق آن، بند «ب» ماده ۲۰ با رعایت ماده ۲۲ همین قانون است؛ بنابراین اضافه شدن کلمه «کل» برای رفع ابهام بوده و فاقد تأثیر ماهوی است.

نظریه مشورتی شماره ۴۷۸/۹۹/۷ مورخ ۱۳/۰۵/۱۳۹۹

سوال- با توجه به تبصره ماده ۱۰ قانون کاهش مجازات‌های حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ که به موجب آن مجازات جرایم قابل گذشت به نصف مجازات تقلیل یافته است و مجازات حبس برخی از آن‌ها از درجه شش به هفت تقلیل یافته است، این تقلیل موجب تغییر صلاحیت در رسیدگی به آن جرایم شده است؛ برای مثال به موجب این قانون، حبس جرایم موضوع ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ حداکثر شش ماه که تحقیقات مقدماتی آن می‌باید توسط دادگاه کیفری دو به عمل آید. این دادگاه‌ها به استناد بند دوم ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳، با اصلاحات و الحاقات بعدی جزای نقدی را ملاک عمل قرار داده و درجه جرم موضوع ماده ۶۹۰ یاد شده را به درجه پنج افزایش داده‌اند و در نتیجه عقیده بر صلاحیت دادرسی در تحقیقات مقدماتی این جرایم دارند:

آیا انجام این نوع از درجه‌بندی مجازات توسط دادگاه صحیح است و بر خلاف ماهیت قانون کاهش مجازات تعزیری نیست؟

پاسخ- بزه تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق موضوع ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ در مواردی که املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی باشد، طبق ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ قابل گذشت است و مشمول تقلیل مجازات حبس موضوع تبصره ماده اخیرالذکر است و همین مجازات تقلیل یافته، مجازات قانونی جرم است که در انطباق آن با شاخص‌های ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم درجه هفت محسوب و طبق ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود و اختیار دادگاه به تعیین مجازات بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی در اجرای بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی که ممکن است منتهی به تعیین جزای نقدی (درجه پنج) شود، در صلاحیت مرجع رسیدگی کننده تأثیری ندارد.

نظریه مشورتی شماره ۵۳۷/۹۹/۷ مورخ ۱۴/۰۵/۱۳۹۹

سوال- در پرونده‌هایی که تجمیع آراء وفق ماده ۵۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری صورت گرفته است و جهت اعمال قانون کاهش مجازات‌های حبس تعزیری به دادگاه صادر کننده حکم قطعی اعاده می‌گردد چون مطابق ماده ۱۱ این قانون تمام یا برخی از جرایم، قابل گذشت شمرده شده است آیا اعمال ماده ۱۲ بدون لحاظ وضعیت جدید و قابل گذشت بودن آن انجام شود یا آنکه درباره آنها قرار موقوفی اجرا صادر و سپس نسبت به مابقی جرایم غیر قابل گذشت اصلاح رای و تخفیف برابر مصوبه اخیر انجام شود؟

پاسخ- در خصوص جرایم متعدد که طبق ماده ۵۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ حکم واحد صادر شده است، چنانچه طبق ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ تمام یا برخی از جرایم، قابل گذشت محسوب شده و برخی از شکات خصوصی گذشت نمایند، قاضی اجرای احکام کیفری به استناد تبصره یک ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و ماده ۱۲ و بند (ب) ماده ۱۳ و ماده ۵۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قرار موقوفی اجرا صادر می‌کند و پرونده را با لحاظ تبصره الحاقی به ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و بند (ب) ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برای تخفیف مجازات به دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارسال می‌کند و دادگاه با عنایت به تبصره ۱ ماده ۱۰۰ و تبصره ۲ ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ صرفاً در مورد جرایم باقیمانده طبق ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مجازات قبلی را تخفیف می‌دهد.

نظریه مشورتی شماره ۷۲۱/۹۹/۷ مورخ ۲۲/۰۵/۱۳۹۹

سوال- با توجه به قانون کاهش حبس‌های تعزیری و قابل گذشت شدن جرم کلاهبرداری زیر ۱۰۰ میلیون، وضعیت ماده ۶۰۶ ق.م.ا.م.ن بر تکلیف مدیر سازمان‌ها و ...

بر اعلام کلاهبرداری کمتر از ۱۰۰ میلیون در اداره تحت مدیریت و نظارت وی چی میشه؟ با در نظر گرفتن اصلاح ماده ۱۰۴ ق.م.ا.م.ن ۶۰۶ ق.م.ا.م.ن و ماده ۷۲ ق.آ.د.ک.

آیا نافی مسئولیت وی هست یا خیر چرا که ماده ۶۰۶ یک جرم خاص هست و ماده ۷۲ هم تصریح به جرایم غیرقابل گذشت دارد؟

پاسخ- مستنبت از ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، تکلیف رؤسا، مدیران یا مسؤولین سازمان‌ها و مؤسسات مذکور در ماده ۵۹۸ این قانون به اعلام وقوع جرایم مذکور در این ماده، منوط به قابل گذشت یا غیرقابل گذشت بودن این جرایم نیست و قابل گذشت محسوب شدن بزه کلاهبرداری کمتر از یک میلیارد ریال بر اساس ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ در اجرای وظایف مقامات یادشده تأثیری ندارد. شایان ذکر است تکلیف مقرر در ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با تکالیف مقرر در ماده ۶۰۶ قانون صدرالذکر منافاتی ندارد.

نظریه مشورتی شماره ۵۵۳/۹۹/۷ مورخ ۲۱/۰۵/۱۳۹۹

سوال ۱- با توجه به تصویب قانون جدید نحوه اعمال قواعد تعدد جرم در جرایم مواد مخدر به چه صورت است:

الف- بین افعال ارتكابی منطبق با ماده ۴ و ۵ قانون مواد مخدر

ب- بین مواد ۴ و ۵ با ماده ۸ قانون مواد مخدر

پاسخ ۱- چنانچه متهم قبل از صدور حکم قطعی در دفعات متعدد مرتکب جرایم موضوع مواد ۴ یا ۵ یا ۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر شده باشد، با توجه به تعدد رفتار ارتكابی، موضوع مشمول مقررات تعدد جرم است و دادگاه مجازات مرتکب را حسب مورد برابر بندهای «ب» و «پ» ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ (انطباق جرایم ارتكابی با شاخص‌های مقرر) تعیین می‌کند؛ ولی چنانچه متهم با رفتار واحد مرتکب جرم شده، ولی مواد مخدر به دفعات از وی کشف شود، هرگاه مواد مکشوفه همگی از جنس موضوع یک ماده از قانون مبارزه با مواد مخدر، مثلاً همگی از جنس موضوع ماده ۵ یا ۸ قانون مذکور باشد، چون بر اساس مجموع میزان مواد مکشوفه و رعایت تناسب یک مجازات تعیین می‌شود، لذا منصرف از مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۱۳۴ قانون پیش گفته است و هرگاه مواد مکشوفه از جنس دو یا چند ماده از قانون فوق‌الذکر باشد، مجازات مرتکب مطابق مقررات تعدد جرم موضوع ماده ۱۳۴ قانون یادشده و شاخص‌های مقرر قابل تعیین است.

سوال ۲- در خصوص پرونده‌های مربوط به مواد مخدر که قبلاً با رعایت قواعد و تعدد و تکرار جرم رای صادر شده است آیا با قانون جدید در بحث تخفیف مجازات، مشمول بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی می‌شود؟ در مواردی که برای متهم حداکثر مجازات تعیین شده و نظر دادگاه باز هم تعیین حداکثر مجازات باشد تکلیف چیست؟

پاسخ ۲- اولاً، مقررات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، عام است و علی‌الاصول باید در کلیه جرایم رعایت گردد؛ و قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، قانون خاص است. لذا در هر مورد که حکم خاصی در این قانون وجود دارد باید براساس همین قانون عمل شود و در مواردی که قانون مذکور ساکت است باید طبق مقررات عام قانون مجازات اسلامی عمل شود. درخصوص تعدد جرم، در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مقررات خاصی وجود ندارد، لذا ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ در مورد تعدد جرایم موضوع قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر... نیز قابل اعمال است. ولی درخصوص تکرار جرم، چون در قانون مزبور طبق مواد ۲، ۵، ۶، ۹، ۱۴ و ۳۹ مقررات خاصی پیش‌بینی شده است، باید طبق این مقررات عمل شود.

بنا به مراتب فوق احکام مقرر در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ ناظر بر تغییر مقررات مربوط به تعدد جرم در خصوص جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر نیز اصولاً مجرا خواهد بود.

سوال ۷- اگر متهم مرتکب سه جرم مختلف شده و به حداکثر مجازات مقرر قانونی محکوم شده باشد آیا موجبی جهت اجرای ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی می‌باشد؟

پاسخ ۷- در فرض سؤال (که ناظر به صدور حکم به حداکثر مجازات مقرر برای سه فقره جرم ارتكابی بر اساس صدر ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی پیش از اصلاح است) با عنایت به تخفیف میزان مجازات در حالت تعدد جرم به موجب بند «ب»

ماده ۱۳۴ این قانون اصلاحی ۱۳۹۹، قاضی اجرای احکام مکلف است از دادگاه صادر کننده حکم، تقاضای تخفیف مجازات کند.

سوال ۸- با عنایت به اینکه با اجرای قانون جدید در جمع تعدد جرایم درجه هفت و هشت و درجه شش و بالاتر، موجبات تشدید مجازات جرایم درجه یک تا شش نخواهد شد لیکن بر اساس بند «پ» قانون موصوف دادگاه می‌تواند چنانچه جرایم ارتكابی مختلف بیش از سه جرم باشد مجازات هر یک از جرایم را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی تعیین کند با این وصف به نحو مثال اگر شخصی مرتکب دو جرم درجه هفت و هشت و یک جرم درجه پنج شود، آیا دادگاه می‌تواند صرفاً مجازات قانونی هر یک از جرایم را تعیین و حکم بر اجرای مجازات اشد صادر کند؟ یا اینکه می‌بایست نسبت به تشدید مجازات و تعیین بیش از حداکثر مجازات قانونی (تا یک چهارم) اقدام و دستور اجرای مجازات اشد را صادر کند.

پاسخ ۸- در تعدد جرایم درجه هفت و هشت با درجه شش و بالاتر حسب مورد مطابق بند «ت» ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ رفتار می‌گردد؛ به عبارت دیگر؛ ارتكاب جرائم درجه هفت و هشت با درجه شش و بالاتر سبب تشدید جرایم اخیرالذکر (شش و بالاتر) نمی‌شود اما به عکس جرایم درجه شش و بالاتر در تعیین مجازات جداگانه برای جرایم درجه هفت و هشت (و تشدید آن) حسب مورد بر اساس شاخص‌های مقرر در بندهای «ب» و «پ» ماده مذکور، مؤثر است.

نظریه مشورتی شماره ۵۲۴/۹۹/۷ مورخ ۲۵/۰۵/۱۳۹۹

سوال- موضوع تبصره ماده ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ اصل ممنوعیت صدور حکم مجازات حبس بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون است و از طرفی در مواردی که دادگاه مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین می‌کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ یا دیگر جهات قانونی باشد. منظور از «سایر جهات قانونی» چیست و مصادیق آن در قانون کدام است؟

پاسخ- منظور از عبارت «سایر جهات قانونی» در تبصره الحاقی (۱۳۹۹/۲/۲۳) ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مواردی است که قانون‌گذار به تعیین بیش از حداقل مجازات حبس مقرر برای جرم تصریح کرده است؛ نظیر آنچه در قسمت اخیر مواد ۵۶۲، ۵۸۰، ۶۲۱، ۷۰۴ و ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ آمده است.

نظریه مشورتی شماره ۶۴۹/۹۹/۷ مورخ ۲۶/۰۵/۱۳۹۹

سوال- اولاً: با توجه به عبارت قسمت اخیر ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ شروع به جرم و نیز معاونت در جرایم کلاهبرداری، در حکم کلاهبرداری و سرقت ساده، مشروط به وجود بزه‌دیده و با رعایت حد نصاب‌های مالی ذکر شده، جزء جرایم قابل گذشت هستند؟

ثانیاً: آیا شرط داشتن بزه‌دیده برای قابل گذشت تلقی شدن جرایم انتقال مال غیر و کلاهبرداری ضرورت دارد؟ و همچنین رعایت حد نصاب مالی مقرر برای قابل گذشت تلقی شدن جرایم در حکم کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شوند، ضرورت دارد؟

ثالثاً: آیا کلاهبرداری و انتقال مال غیر در مورد اموال دولتی و عمومی و نیز شروع به آن جرایم و یا معاونت در آن جزء جرایم قابل گذشت مندرج در ماده قانونی اخیرالذکر است؟

رابعاً: با توجه به ماده قانونی اخیر و نیز ماده ۵۹ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع آیا بزه تصرف عدوانی اراضی ملی کماکان از جرایم قابل گذشت است؟

پاسخ- اولاً، شرط یا شرایطی که برای قابل گذشت محسوب شدن برخی از جرایم از سوی مقنن به طور خاص در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ مقرر شده است در خصوص کلیه کسانی که به نحوی در ارتکاب این جرایم یا شروع به آن‌ها دخیل‌اند (اعم از مباشر، شریک یا معاون) باید ملحوظ گردد؛ بنابراین، قابل گذشت بودن شروع و معاونت در جرایم کلاهبرداری و انتقال مال غیر با توجه به ماده صدرالذکر مشروط به این است که مبلغ آن جرم از نصاب مقرر در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیشتر نباشد و نیز قابل گذشت بودن شروع و معاونت در جرایم در حکم کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری درباره آن‌ها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود، منوط به «داشتن بزه‌دیده» است و همچنین با عنایت به ماده صدرالذکر شروع و معاونت در جرایم سرقت موضوع مواد ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۶۱ و ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، چنانچه ارزش مال مسروقه کمتر از ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و سارق فاقد سابقه مؤثر کیفری باشد، قابل گذشت است.

ثانیاً، در بزه کلاهبرداری که بردن مال غیر به نحو متقلبانه است، فرض نداشتن بزه‌دیده قابل تصور نیست و در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹، بزه کلاهبرداری فقط به شرطی که مبلغ آن از نصاب مقرر در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیشتر نباشد، قابل گذشت اعلام شده است و عبارت «در صورت داشتن بزه‌دیده» ناظر به جرایم «در حکم کلاهبرداری» و جرایمی است که «مجازات کلاهبرداری درباره آن‌ها مقرر شده است» و یا «طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود» و قابل گذشت بودن این جرایم مشروط به نصاب خاصی نیست.

ثالثاً، همانطور که در بند «ثانیاً» بیان شد، طبق ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹، بزه کلاهبرداری و انتقال مال غیر به شرطی که مبلغ آن، یک میلیارد ریال یا کمتر از آن باشد، به طور مطلق قابل گذشت محسوب شده است؛ اعم از این‌که این جرایم نسبت به اشخاص خصوصی یا نسبت به اشخاص دولتی و عمومی واقع شود، یا این‌که جرم تام باشد و یا در مرحله شروع باشد. لحاظ این شرط (همانطور که در بند «اولاً» ذکر شد)، در خصوص کلیه کسانی که به نحوی در ارتکاب این جرایم و یا شروع به آن‌ها دخیل‌اند؛ اعم از مباشر، معاون یا شریک باید رعایت شود.

رابعاً، با توضیح این‌که ماده ۵۵ و تبصره الحاقی این ماده از قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع اصلاحی ۱۳۴۸ راجع به تصرف منابع ملی با تصویب ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نسخ شده است، طبق ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ بزه تصرف عدوانی و مزاحمت و ممانعت از حق فقط نسبت به املاک و اراضی

متعلق به اشخاص خصوصی قابل گذشت اعلام شده است و این جرایم نسبت به املاک و اراضی اشخاص دولتی و عمومی غیر قابل گذشت هستند.

نظریه مشورتی شماره ۵۹۴/۹۹/۷ مورخ ۲۷/۰۵/۱۳۹۹

سوال- با توجه به لازم‌الاجرا شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، آیا آراء غیابی نیز مشمول بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌شوند؟

پاسخ- نظر اکثریت: بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ناظر به «آراء قطعی و لازم‌الاجرا» است و نسبت به آراء غیابی که فاقد وصف قطعیت است، اعمال نمی‌شود؛ با این وجود در مواردی که پس از وقوع جرم، قانونی مبنی بر تخفیف مجازات وضع شود؛ نظیر قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، آراء غیابی مشمول صدر ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (تا صدور حکم قطعی) است؛ لذا قاضی اجرای احکام باید در اجرای صدر ماده ۱۰ این قانون پرونده را نزد دادگاه صادرکننده ارسال کند.

نظر اقلیت: با عنایت به عبارات «حکم قطعی لازم‌الاجرا» در ذیل ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و «دادگاه صادرکننده حکم قطعی» در بند «ب» این ماده، اصلاح حکم و تخفیف مجازات، ناظر به احکام قطعی لازم‌الاجراست و پیش‌بینی اجرای احکام غیابی در تبصره ۲ ماده ۴۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که به متهم ابلاغ قانونی شده و در مهلت قانونی نسبت به آن، واخواهی یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام نشده باشد، امری استثنایی است؛ بنابراین چون حکم غیابی، قطعی محسوب نمی‌شود از شمول بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ خارج است. بدیهی است چنانچه حکم غیابی به متهم ابلاغ واقعی شده و در مهلت قانونی نسبت به آن واخواهی یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام نشده یا درخواست تجدید نظر یا فرجام آن رد شده باشد، به لحاظ قطعی شدن حکم غیابی، مشمول بند «ب» ماده ۱۰ قانون یادشده قرار می‌گیرد.